

اعتبارسنجی سندی و محتوایی روایات منقول درباره همت زنان

میشم کهن ترابی^۱

چکیده

در برخی منابع حدیثی و تفسیری روایاتی وجود دارد مبنی بر اینکه چون زن از مرد خلق شده است، همت زنان، معطوف به مردان و زینت و فساد در دنیا است. پژوهش حاضر با هدف اعتبارسنجی سندی و محتوایی این روایات به روش توصیفی- اسنادی و با بهره‌گیری از ابزار نقد سندی- متنی حدیث انجام شد. بدین منظور منابع اصلی مکتوب حدیثی و تاریخی در این موضوع بررسی شد و روایات مربوطه مورد کنکاش قرار گرفت. نتایج نشان داد که بیشتر روایات مطروحه در این مورد از نظر سندی به دلیل رفع سند و یا ضعف و مجهول بودن راویان جزو روایات ضعیف است. خلقت زن از مرد موضوعی است که با آیات قرآن و روایات، متناقض است و با آموزه‌های اسرائیلی مطابقت دارد. با بررسی منابع تاریخی روایتی که همت زنان را زینت طلبی و فساد معرفی کرده است این احتمال تقویت می‌شود، به شخص خاصی که موجب برپایی جنگ جمل شده، اشاره داشته است. اگر این احتمال نادیده گرفته شود، به دلیل مغایرت آن با آموزه‌های قرآنی و روایی و مخالفت سیاق کلام با سخن معصوم علیه السلام به طوری که همت زنان را در کنار همت درندگان و حیوانات قرار می‌دهد و مؤمنان را از صنف زنان جدا می‌کند. از معصوم علیه السلام استبعاد دارد، نمی‌توان آن را به ایشان منتسب کرد.

واژگان کلیدی: اعتبارسنجی، همت زنان، نقد حدیث، رکاکت معنوی،

زینت طلبی، فسادانگیزی.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۶ تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۱۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۲
۱. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه بزرگمهر قائنات، قائنات، ایران.

The Documentary-Content Validation of Narratives on Women's Effort

Meisam Kohan Torabi¹

In some Hadith and interpretive sources, according to some narratives, because women were created from men, women's effort is focused on men and causes decoration and corruption in the world. The present study was conducted with the aim of the documentary-content validation of these narratives with a descriptive-documentary method applying a documentary-textual critique tool of Hadith; thus, the main related written sources about Hadith and history were reviewed, and the related narratives were examined. The results demonstrated that most of the related narratives are documentarily weak due to the elimination of documents, and/or the weakness and ignorance of the narrators. The women's creation from men is an issue that is contrary to the Quranic verses and narratives, and it is consistent with Israeli teachings. Reviewing the historical sources reinforces the probability that the narrative which considers women's effort as decoration and corruption points at a specific person who caused Jamal war. If this probability is ignored, it cannot be attributed to an innocent; because of its opposition to the Quranic and narrative teachings, and the opposition of its context to the innocents' speech, so that it is unlikely that the innocents mention women's effort alongside predators' and animals' effort, on the one hand, and separate believers from women, on the other hand.

Keywords: validation, women's effort, critique of Hadith, spiritual vulgar, decoration, corruption.

Paper Type: Research

Data Received: 2020 / 10 / 07

Data Revised: 2021 / 03 / 03

Data Accepted: 2021 / 03 / 12

1. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Islamic Law, Bozorgmehr University of Ghayen, Ghayen, Iran. Email: kohantorabi@buqaen.ac.ir

در برخی از احادیث منقول در منابع حدیثی و تفسیری شیعه درباره ویژگی‌های زنان عباراتی وجود دارد که در آن سخن از همّ و یا همّت زنان است. به عبارتی، در این روایات این موضوع که اهتمام زنان به چه چیزی معطوف است، مطرح شده است. در این روایات اهتمام زنان معطوف به مردان و یا زینت دنیا و حتی گاهی فساد معرفی شده است. براین اساس، مسئله محوری پژوهش حاضر این است که این روایات از چه اعتباری برخوردارند و بر فرض صحت صدور از معصوم علیه السلام، چه مفهومی دارند؟

شهید مطهری (۱۳۸۶) در کتاب *نظام حقوق زن در اسلام* درگفتار جایگاه ارزشی زن به برخی شبهات در مورد فروتری زنان پرداخته و بدان پاسخ داده است. آیت الله جوادی آملی (۱۳۸۹) نیز در کتاب *زن در آئینه جلال و جمال* به ویژه در بخش چهارم و پنجم کتاب، به بحث و بررسی اوصاف زنان پرداخته و برخی اوصاف ناصحیح را که به زنان داده شده است، مستدل پاسخ داده و رد می‌کند. پژوهش‌های صابریان (۱۳۸۳)، شاملی (۱۳۸۰) و کدخدایی (۱۳۹۵) نیز رسالتی مشابه منابع پیش‌گفته را دنبال کرده‌اند. رسولی راوندی (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان بررسی روایات امام علی علیه السلام در توصیف ویژگی‌های فردی زن، نقل موجود در خطبه ۱۵۳ نهج البلاغه را بررسی نموده است.

همانگونه که از بررسی آثار نگاشته شده حول موضوع مورد بحث پیداست، پژوهشی مستقل و مستوفی که به مقوله اعتبارسنجی این روایات بوسیله سنجش سندی و متنی آنها بپردازد، انجام نشده است. از این رو، در پژوهش حاضر پس از نقل روایات مربوطه، با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای در بستر روشی توصیفی-اسنادی و با بهره‌گیری از ابزار نقد سندی-متنی حدیث و استفاده از اصول مصطلح الحدیثی و فقه الحدیثی، اعتبار، سبب صدور و حتی مفهوم احتمالی آن بر فرض صحت صدور، بررسی شد.

با توجه به وجود دیدگاهی نادرست و مخدوش برخی به جنسیت زن از گذشته تاکنون و احتمال نفوذ این دیدگاه در آموزه‌های دینی، ضرورت دارد پژوهش‌هایی علمی روایاتی که به این مقوله می‌پردازند بررسی نماید. وجود روایات متعدد در منابع حدیثی که در آن امام معصوم علیه السلام به تصحیح دیدگاه صحابه خویش می‌پرداختند، گواهی بر این ادعاست.

برای نمونه روایات زیادی وجود دارد که شخصی از دختردار شدن مغموم بوده و امام علیه السلام نهایت تلاش خود را برای اصلاح نگاه به دختران و زنان در قالب سخنانی انجام داده است. مجموعه‌ای از این روایات را شیخ حر عاملی در *وسائل الشیعه* جمع آوری کرده است (حرعاملی، ۱۳۶۲/۲۱/۳۶۱-۳۷۱).

دیگر عاملی که به انجام این پژوهش‌ها ضرورت بخشیده، نفوذ اسرائیلیاتی در مورد زنان، خلقت ایشان و اوصافشان است که وارد منابع روایی فریقین شده است. نمونه بارز آن آفرینش حوا از دنده چپ آدم، شر بودن زن و... است که در منابع حدیثی به چشم می‌خورد. بنابراین، ضروری و مهم است که این روایات در بستری علمی و با عرضه به قرآن و روایات معتبر و سیره اهل بیت علیهم السلام مورد اعتبارسنجی و مفهوم‌شناسی قرار گیرد. در پژوهش حاضر تمامی روایاتی که در منابع متقدم در وصف زنان و درباره اهتمامشان نقل شده ذکر شده و سپس با بهره‌گیری از ابزارهای سنجش و فهم حدیث اعتبارسنجی گردیده است.

۲. چارچوب نظری پژوهش؛ روایات منقول در منابع حدیثی در مورد همت زنان

در تفسیر عیاشی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

عن أبي علي الواسطي قال: قال أبو عبد الله عليه السلام إن الله خلق آدم من الماء والطین - فهمة ابن آدم في الماء والطین، وإن الله خلق حواء من آدم فهمة النساء الرجال فحصنوهن في البيوت.

امام صادق علیه السلام فرمود: به درستی خداوند آدم را از آب و گل خلق کرد پس همت فرزند آدم در آب و گل است و همانا خداوند حوا را از آدم آفرید. پس مردان، همت زنان هستند، بنابراین زنان را در خانه‌ها نگاه دارید. (عیاشی، ۱۳۸۰ ه.ق، ۱/۲۱۵)

کلینی در *فروع کافی* چند حدیث در این ارتباط نقل کرده است. حدیث اول در کتاب *المعیشه* است که در بخشی از یک روایت نسبتاً طولانی از حضرت علی علیه السلام چنین آمده است:

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ جُمُهورٍ عَنْ أَبِيهِ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ كَثِيرًا مَا يَقُولُ: ... أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ السَّبَاعَ هَمَّتْهَا التَّعَدَى وَإِنَّ النِّهَائِمَ هَمَّتْهَا بُطُونُهَا وَإِنَّ التِّسَاءَ هَمَّتْهُنَّ الرِّجَالُ وَإِنَّ الْمُؤْمِنِينَ مُشْفِقُونَ خَائِفُونَ وَجِلُونَ جَعَلَنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ مِنْهُمْ.

ای مردم! به راستی که همت درندگان، تجاوز کردن است و همت چهارپایان شکمشان و همت زنان، مردان و همانا مؤمنان خداوند را بزرگ دانسته و از او می‌هراسند. خداوند ما و شما را از زمره آنان قرار دهد. (کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ۵/۸۱-۸۲)

سپس چهار روایت در کتاب *النکاح* نقل کرده که عبارتند از:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَيَابَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ حَوَاءَ مِنْ آدَمَ فَهَمَّتْهُ النِّسَاءُ الرِّجَالِ فَخَصَّصُوهُنَّ فِي النُّبُوتِ.

امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند حوا را از آدم خلق کرد پس همت زنان، مردان هستند. از این رو، زنان را در خانه‌ها نگاه دارید. (کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ۵/۳۷)

أَبَانُ عَنِ الْوَاسِطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عليه السلام مِنَ الْمَاءِ وَالطِّينِ فَهَمَّتْهُ ابْنِ آدَمَ فِي الْمَاءِ وَالطِّينِ وَخَلَقَ حَوَاءَ مِنْ آدَمَ فَهَمَّتْهُ النِّسَاءُ فِي الرِّجَالِ فَخَصَّصُوهُنَّ فِي النُّبُوتِ.

امام صادق عليه السلام فرمود: به درستی خداوند آدم را از آب و گل خلق کرد، پس همت فرزند آدم در آب و گل است و همانا خداوند حوا را از آدم آفرید، پس مردان، همت زنان هستند. بنابراین، زنان را در خانه‌ها نگاه دارید. (کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ۵/۳۷)

این روایت با تفاوت بسیار اندکی، همان روایت نقل شده در تفسیر عیاشی است که توسط واسطی نقل شده است.

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ جُمُهورٍ عَنْ أَبِيهِ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فِي بَعْضِ كَلَامِهِ إِنَّ السَّبَاعَ هَمُّهَا بُطُونُهَا وَإِنَّ النِّسَاءَ هَمُّهُنَّ الرِّجَالُ.

امام علی عليه السلام در قسمتی از کلامشان فرمود: همت درندگان شکم‌هایشان و همت زنان، مردان است. (کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ۵/۳۷)

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ وَهْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام خُلِقَ الرِّجَالُ مِنَ الْأَرْضِ وَإِنَّمَا هَمُّهُمْ فِي الْأَرْضِ وَخُلِقَتِ الْمَرْأَةُ مِنَ الرِّجَالِ وَإِنَّمَا هَمُّهَا فِي الرِّجَالِ أَحْبَسُوا نِسَاءَكُمْ يَا مَعْاشِرَ الرِّجَالِ.

امام صادق عليه السلام فرمود که حضرت علی عليه السلام فرموده است: مردان از زمین (خاک) خلق شده‌اند و تنها همتشان در زمین است و زنان از مردان خلق شده‌اند و جز این نیست که همتشان معطوف به مردان است. زنان را حبس کنید ای مردان! (کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ۵/۳۷)

شیخ صدوق در *علل الشرائع* در عنوانی به نام «علتی که به خاطر آن همت زنان معطوف مردان شده» از امام صادق عليه السلام روایتی را تنها روایت موجود در ذیل این عنوان نقل می‌کند:

أَبِي رَحْمَةَ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْمُطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخُرَّازِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الْمَرْأَةَ خُلِقَتْ مِنَ الرَّجُلِ وَإِنَّمَا هَمَّتْهَا فِي الرَّجَالِ فَاحْسِبُوا نِسَاءَكُمْ وَإِنَّ الرَّجُلَ خُلِقَ مِنَ الْأَرْضِ وَإِنَّمَا هَمَّتْهُ فِي الْأَرْضِ.

امام صادق علیه السلام فرمود: به درستی که زن از مرد خلق شده و فقط همتش، معطوف به مردان است پس زنان را حبس کنید و همانا مرد از زمین آفریده شده و تنها همتش معطوف به زمین است. (صدوق، ۱۳۸۵، ۴۹۸/۲)

سیدرضی در خطبه ۱۵۳ نهج البلاغه به نقل از امیرالمومنین علیه السلام آورده است:

إِنَّ الْبَهَائِمَ هَمَّتْهُمُ بَطُونُهَا وَإِنَّ السَّبَاعَ هَمَّتْهُمُ الْعُدْوَانُ عَلَى غَيْرِهَا وَإِنَّ النِّسَاءَ هَمَّتْنَ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْفَسَادَ فِيهَا إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ مُسْتَكِينُونَ إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ مُسْفِقُونَ إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ خَائِفُونَ. همانا تمام حیوانات در تلاش پر کردن شکمند، و درندگان در پی تجاوز کردن به دیگران، و زنان تمام همتشان آرایش زندگی و فساد انگیزی در آن است، اما مؤمنان فروتنند، همانا مؤمنان مهربانند، همانا مؤمنان از آینده ترسانند. (سیدرضی، ۱۴۱۴ هـ.ق، خطبه ۱۵۳)

قریب به همین عبارات در خطبه‌ای از امیرالمؤمنین علیه السلام که در تحف العقول نقل شده، آمده است: «إِنَّ الْبَهَائِمَ هَمَّتْهُمُ بَطُونُهَا وَإِنَّ السَّبَاعَ هَمَّتْهُمُ التَّعَدَى وَالظُّلْمَ وَإِنَّ النِّسَاءَ هَمَّتْنَ زِينَةَ الدُّنْيَا وَالْفَسَادَ فِيهَا وَإِنَّ الْمُؤْمِنِينَ مُسْفِقُونَ مُسْتَكِينُونَ خَائِفُونَ». (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ هـ.ق)

مؤلف کتاب قصص الانبیاء روایتی که پیرامون کیفیت خلقت آدم از امام صادق علیه السلام نقل شده را ذکر کرده است:

وَبِالإِسْتِئْذَانِ الْمُنْتَدِمِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ الْحَلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ... وَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ آدَمَ مِنَ الطِّينِ وَخَلَقَ حَوَاءَ مِنْ آدَمَ فَهَمَّتْهُ الرَّجَالِ الْأَرْضُ وَهَمَّتْهُ النِّسَاءُ الرَّجَالُ. (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹ هـ.ق)

موارد فوق در منابع متقدم نقل شده و هر کدام سند یا متن منحصر به فرد خود را داراست. آنچه در منابع پس از این کتب آمده، برگرفته از همین منابع است و به همین سبب از ذکر مجدد آن در پژوهش حاضر پرهیز شده است. با عنایت به مسئله محوری این پژوهش، جهت اعتبارسنجی روایاتی که ذکر شد، هم از منظر سندی و هم متنی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲. اعتبارسنجی روایات؛ بررسی سندی روایات ذکر شده در مورد همت زنان

اولین گام برای سنجش اعتبار روایات، بررسی آن از منظر سندی و رجالی است. در این بخش سعی شده است اسناد روایات منقول ذکر شده، بررسی و تمامی رجال حاضر در سلسله اسناد اجمالاً از منظر وثاقت سنجیده شوند.

سند اول مربوط به روایت ذکر شده از تفسیر عیاشی است. این سند ناقص است و دیگر افراد سلسله سند ذکر نشده‌اند. از طرفی، ابوعلی واسطی مجهول است و از او اطلاعات رجالی در دست نیست؛ جز آنکه تنها در کتاب معجم الرجال طریقی که او در آن وجود دارد، ذکر شده و توصیفی پیرامون وثاقت و یا ضعف او مطرح نشده است (خوئی، ۱۳۷۲، ۲۲/۲۷۷). بنابراین، آن حدیث ضعیف‌السند است.

روایتی که کلینی در کتاب المعیشه از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده نیز به دو دلیل ضعیف است؛ نخست این‌که همان‌گونه که در متن سند نیز آمده است، پدر ابن جمهور روایت را به صورت مرفوع از امام صادق علیه السلام نقل کرده است و روایت مرفوع در زمره روایات ضعیف قرار دارد. دوم این‌که وجود خود محمد بن جمهور العمی در سلسله سند روایت است. چرا که به اتفاق تمامی رجالیون متقدم، وی شخصی غیر موثق است و او را شخصی غالی خوانده‌اند (طوسی، ۱۴۲۷ هـ.ق) که در برخی از روایاتش غلو و تخلیط وجود دارد (طوسی، ۱۴۲۰ هـ.ق). همچنین او را فاسد‌المذهب توصیف کرده‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵) و گفته‌اند که او جداً ضعیف است (ابن‌غضائری، ۱۳۸۰). وجود چنین شخصی آن هم به عنوان راوی قبل از امام علیه السلام، سبب ضعف سندی روایت و در نتیجه ضعف روایت است.

اولین راوی روایت بعدی، محمد بن یحیی العطار است که او را ثقه و عین توصیف کرده‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵). راوی بعد، عبدالله بن محمد بن عیسی معروف به بنان بن محمد است که در مورد او اطلاعات رجالی زیادی جز طبقه و راویان قبل و بعد او در دست نیست. گفته شده است که چون محمد بن احمد بن یحیی از او روایت نقل کرده و او را از زمره مشایخ خود دانسته و استثنا نکرده است، همین دلالت بر اعتماد به او دارد و حتی بعید نیست به همین سبب بتوان به وثاقتش حکم داد (استرآبادی، ۱۴۲۲ هـ.ق، ۳/۹۷)؛ اما آیت‌الله خوئی پس از نقل این عبارت می‌گوید: «قبلاً در مقدمه کتاب گفته‌ام که با این استناد نمی‌شود به وثاقت یک راوی حکم

داد» (خوئی، ۱۳۷۲/۴، ۲۷۳). ابن داود نیز او را «مهمل» توصیف کرده است (ابن داود حلی، ۱۳۸۳، ۷۴). راوی بعدی یعنی علی بن حکم، ثقه و جلیل القدر توصیف شده است. (حلی، ۱۴۰۲ هـ.ق). ابان بن عثمان که از اصحاب اجماع است نیز موثق است (کشی، ۱۴۰۴ هـ.ق) عبدالرحمان بن سیابه راوی آخرین حدیث است که در کتب رجالی متقدم، وصف مصرّحی در مورد او دیده نمی شود؛ اما آیت الله خوئی با استناد به روایات منقول توسط او و همچنین روایات رجالی کشی به ویژه روایتی که در آن آمده امام صادق علیه السلام به او اموالی داد تا توزیع کند، می گوید: «امام صادق علیه السلام به او اعتماد داشته است و همچنین از روایات دیگر برمی آید که او به شرایع دینی ملتزم بوده است» (خوئی، ۱۳۷۲، ۱۰/۳۶۱).

براساس آنچه گفته شد، اگر نقل برخی در مورد وثاقت عبدالله بن محمد را بپذیریم، حدیث نقل شده از وی صحیح السند است؛ اما اگر او را مهمل بدانیم، حدیث در زمره روایات ضعیف قرار می گیرد. داوری موجود در کتاب *مرآة العقول* پیرامون این روایت، وصف «روایت مجهول» است (مجلسی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۲۰/۳۰).

روایت بعد به واسطه وجود واسطی که مجهول است نیز در زمره احادیث ضعیف قرار می گیرد. روایت بعدی نیز که به نظر می رسد بخشی از همان روایت منقول در *کتاب المعیشه کافی* است، به واسطه وجود محمد بن جمهور و مرفوع بودن از منظر سندی ضعیف است. آخرین روایتی که از کتاب کافی نقل شده نیز ضعیف السند است. دلیل این ضعف، وجود وهب بن وهب القریشی در سلسله سند آن است. این شخص با عنوان ابوالبختری شناخته می شود و براساس روایت منقول توسط کشی (که نقل می کند: «امام رضا علیه السلام در مورد حدیثی که در حضور ایشان از وهب بن وهب القریشی مطرح شد فرمود: به خدا و رسولش دروغ بسته است») و فضل بن شاذان که او را دروغگو توصیف کرده است (کشی، ۱۴۰۴ هـ.ق) و همچنین نجاشی که همین وصف را برای او به کار برده است (نجاشی، ۱۳۶۵) موثق نیست.

روایان روایتی که صدوق در *علل الشرائع* آورده است عبارتند از: پدرش که موثق است (نجاشی، ۱۳۶۵)؛ سعد بن عبدالله که او نیز توثیق شده است (طوسی، ۱۴۲۰ هـ.ق)؛ محمد بن حسین بن ابی الخطاب که ثقه و عین توصیف شده است (نجاشی، ۱۳۶۵)؛ محمد بن یحیی الخزار که او هم به وثاقت وصف شده است (حلی، ۱۴۰۲ هـ.ق)؛ غیاث بن ابراهیم

که گرچه زیدی بتیری بوده (حلی، ۱۴۰۲هـ.ق) و او را فاسدالعقیده خوانده‌اند (ابن داود، ۱۳۸۳)، اما غالب رجالیون او را ثقه دانسته‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵؛ حلی، ۱۴۰۲هـ.ق).

باتوجه به پیوستگی سند و وثاقت راویان، این حدیث از نظر سندی صحیح به شمار می‌آید. روایت موجود در نهج‌البلاغه نیز چون سندی برای آن ارائه نشده و این شیوه سیدرضی در نقل مطالب نهج‌البلاغه بوده است، امکان بررسی سندی آن وجود ندارد، اما متن آن با روایت موجود در کافی قرابت دارد. همچنین سندی برای روایتی که از تحف‌العقول نقل شده، ذکر نشده است و فقط در بخش بررسی متنی بررسی گردیده است.

آخرین روایتی که ذکر شد، نقل موجود در کتاب قصص الأنبياء قطب راوندی است. علاوه بر سعد بن عبدالله و ابان بن عثمان که در سطور گذشته معرفی شد، راویانی دیگری برای آن نقل شده است که عبارتند از: یعقوب بن یزید که ثقه است (طوسی، ۱۴۲۷هـ.ق)؛ ابن ابی عمیر از اصحاب اجماع که موثق است (کشی، ۱۴۰۴هـ.ق) و محمد الحلبی که به وثاقت توصیف شده است (نجاشی، ۱۳۶۵). البته از قطب راوندی تا سعد بن عبدالله، راویان دیگری وجود دارند که در احادیث قبل‌تر در همان کتاب از آنان یاد شده است که دونفر از آن راویان، شیخ صدوق و پدرش هستند که سابقاً از وثاقت آنها سخن گفته شد و راویان دیگر عبارتند از: علی بن علی بن عبد الصمد نیشابوری که برای او در کتب رجالی، ترجمه‌ای ذکر نشده است و شیخ منتجب الدین در کتاب فهرست، او را فقیه، عالم و ثقه معرفی کرده است (منتخب الدین رازی، ۱۳۶۶)؛ علی بن عبد الصمد نیشابوری که در کتب رجالی، ترجمه‌ای از او ذکر نشده است، اما شیخ حر عاملی (۱۳۶۲/۲، ۱۹۲) در *امل‌الآمل* وی را عالمی فاضل معرفی کرده و گفته که ابن شهر آشوب از او نقل حدیث کرده است؛ علی بن حسین الجوزی که در کتب رجالی سخنی از او به میان نیامده، اما حر عاملی (۱۳۶۲/۲، ۱۷۹) او را با اوصافی همچون عالم، صالح و محدث یاد کرده است. باتوجه به بررسی سندی راویان روایات ذکر شده، می‌توان گفت که از مجموع روایات نقل شده درباره همت زنان فقط دو روایت صحیح‌السند است و مابقی از منظر سندی ضعیف می‌باشد.

۲-۲. اعتبارسنجی روایات؛ بررسی متنی روایات ذکر شده در مورد همت زنان

مهمتر از بررسی سندی، بررسی متن حدیث است که می‌تواند اعتبار و مفهوم صحیح آن را معلوم سازد؛ چراکه ابزار سنجش سند نمی‌تواند به تنهایی متکفل اعلام وثاقت و یا ضعف

حدیث شود. این ابزار ریشه در تاریخ دارند و مجهولات تاریخی نیز، بسیار است. در این بخش پژوهش به صورت تفکیکی با عرضه روایات برقرآن، روایات معتبر و اصول عقلی و تجربه قطعی، محتوای روایات بررسی شد. در روایاتی که ذکر شد، همت زنان دو چیز معرفی شد: مردان؛ زینت طلبی و فسادانگیزی. بررسی متنی روایات نیز به دو بخش تقسیم می‌شود.

۲-۱- گروه اول روایات؛ خلقت زن از مرد و تأثیر آن در اهتمام زنان

در اغلب روایاتی که در آن، همت زنان معطوف به مردان دانسته شده، دلیل آن نیز ذکر شده است. حتی چنانکه گفته شد، شیخ صدوق در کتاب *علل الشرائع* روایت خود را ذیل چنین عنوانی قرار می‌دهد: «علت اینکه همت مردان به زنان معطوف شده است». دلیل مطرح شده در روایت آن است که چون مرد از خاک خلق شده، همتش معطوف به آن است و چون زن از مرد خلق شده است همتش معطوف به مرد می‌باشد. به عبارتی ساده‌تر، آنچه باعث شده که اهتمام زنان، مردان باشند، آن است که زن از مرد خلق شده است. بنابراین، ضروری است این مطلب مورد بررسی قرار گیرد که آیا از منظر قرآن و روایات معتبر، زن از مرد خلق شده است؟ در پاسخ به سؤال فوق دو دیدگاه وجود دارد؛ دیدگاه اول آن است که خداوند ابتدا آدم را آفرید و سپس دنده‌ای از سمت چپ او جدا کرد و از آن دنده حوا را آفرید (طبری، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۱۵۰/۴). برخی تصریح کرده‌اند که آن دنده، از پست‌ترین دنده‌های آدم بوده است (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ هـ.ق، ۸۵۲/۳). برخی تفاسیر شیعه نیز روایاتی با همین مضمون نقل کرده‌اند. عیاشی (۱۳۸۰، ۲۱۵/۱) از امیرالمؤمنین علیه السلام و طبرسی (۱۳۷۲، ۶/۳) حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آورده‌اند که خلقت حوا از دنده چپ و یا دنده پشت آدم بوده است. این گروه به آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (نساء: ۱) نیز استناد کرده‌اند.

دیدگاه فوق به دلایل مختلفی غیرقابل پذیرش است. اول اینکه در «خلق منها» در آیه فوق، «من» از نوع نشویه (طباطبایی، ۱۳۹۰ هـ.ق، ۱۳۶/۴) و بیان جنس است (بلاغی، بی تا، ۴/۲)؛ یعنی خداوند زوجهش را از جنس خودش و از یک منشأ آفرید؛ نه اینکه حوا را از آدم خلق کرد. از طرف دیگر، این گزارش عیناً نقل تورات است و می‌توان آن را در زمره اسرائیلیاتی به شمار آورد که در تفسیر قرآن وارد شده است. علاوه بر آن، شیخ صدوق در *علل الشرائع* در ضمن حدیثی طولانی از امام باقر علیه السلام سخنی را از ایشان نقل می‌کند که زواره از ایشان در مورد

کیفیت خلقت حوا پرسید و گفت که عده‌ای می‌گویند خداوند حوا را از دنده چپ آدم آفرید. امام علیه السلام به خدا پناه برد و با تکذیب شدید این سخن، فرمود: «خداوند از آفرینش حوا ناتوان بوده است؟» (صدوق، ۱۳۸۵، ۱/۱۸).

دیدگاه دوم در مورد خلقت زن از مرد می‌گوید که خداوند ابتدا آدم را آفرید و سپس از اضافه گل او، حوا را خلق کرد. این دیدگاه توسط روایتی که از امام باقر علیه السلام نقل شده نیز تأیید شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۳/۶؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ۱/۲۱۶). دیدگاه دوم صراحتاً خلقت حوا از آدم را رد می‌کند. از طرفی در صورت پذیرش این دیدگاه، خلقت از اضافه گل، بیانگر فروتری زن نسبت به مرد نیست. آنچه واضح است، نادرستی دیدگاه اول و مغایرت آن با قرآن و روایات معتبر است (ر.ک.، اعرابی، ۱۳۸۷).

بنابر آنچه بیان شد، معلوم می‌شود که خلقت زن همچون مرد خلقتی جدید و بدیع بوده است. به عبارتی، زن و مرد هرکدام از یک ذات و گوهر آفریده شده‌اند، نه یکی از گوهر دیگری و نه به عنوان فرع و طفیلی دیگری، بلکه خداوند هر دو را از یک ذات آفریده است (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ۱۷/۱۰۴). عبارت «ابتدع خلقاً» در روایت امام باقر علیه السلام نیز مؤید همین نظر است. همچنین آیاتی از قرآن، دلالت بر این دیدگاه دارد، برای مثال آیه «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلالَةٍ مِنْ طِينٍ» (مؤمنون: ۱۲) که در آن واژه «الْإِنْسَانَ» آمده است. «ال» موجود در این واژه یا جنس استغراق است؛ یعنی همه انسان‌ها را از گل خلق کرده‌ایم که در این حالت مراد حاصل است، چون همه زنان و مردان را شامل می‌شود و یا جنس بیان حقیقت و ماهیت است؛ یعنی جنس انسان را از گل خلق کردیم. باتوجه به آیه اول سوره نساء که براساس آن جنس زن و مرد یکسان توصیف شده است، در این حالت نیز مدلول آیه یعنی، خلق شدگان از خاک، همه زنان و مردان را شامل می‌شود. به عبارتی، براساس این آیه، خلقت زن از مرد منتفی و خلقت هر دو از خاک به صراحت دریافت می‌شود.

نکته مهم و قابل ذکر اینکه عقل، فطرت و روح الهی است که انسان را از جانوران و موجودات دیگر متمایز کرده و وجه برتر انسانی است که در این موارد تفاوتی میان زن و مرد نیست. خداوند فطرتی الهی در وجود همه انسان‌ها به ودیعت نهاده (ر.ک.، روم: ۳۰) و از روح خود در آنها دمیده است (ر.ک.، ص: ۷۲). با این اوصاف عبارت خلقت زن از مرد را که دلیلی برای

اهتمام زنان به مردان عنوان شده است، صرفاً می‌توان اینگونه بیان کرد: «خلقت زن از جنس مرد». این فهمی صحیح است، ولی با دیگر عبارات موجود در این روایات هم‌خوانی ندارد و آن عبارت خلقت مرد از زمین است. آنگونه که دانسته شد، خلقت مرد و زن از یک جنس بوده است درحالی‌که روایات مذکور، خلقت مرد را از زمین و خلقت زن را از مرد دانسته‌اند و به همین دلیل اهتمام زنان به مردان و اهتمام مردان به زمین معطوف شده است.

اگر اهتمام بیان شده در روایات را پذیرفته شده در نظر بگیریم، آنگاه باید علت ذکر شده را هم بپذیریم، درحالی‌که علت مذکور توسط آیات قرآنی و روایات معتبر قابل پذیرش نیست. با عنایت به وحدت جنسیت زن و مرد در خلقت، اگر بتوان آن را عاملی برای وجه همّت زن و مرد در نظر گرفت، در این صورت می‌توان گفت که همّت هر دو، زمین است و یا به همان اندازه که همّت زنان، مردان هستند به همان مقدار همّت مردان نیز زنان هستند، مگر آنکه وجه همّت در صورت پذیرش این وجوه. دلیل دیگری داشته باشد که در آن صورت نیز متن روایات مورد بحث با چالش مواجه خواهد بود.

در این روایات دو فرع و یک اصل وجود دارد. اصل آن است که خلقت مرد از خاک و خلقت زن از مرد بوده است. فرع اول اینکه به این دلیل، اهتمام مردان زمین و اهتمام زنان، مردان هستند و فرع دوم حبس و نگهداری زنان در منزل است. به عبارت دیگر، محتوای روایت این است که چون همّت زنان، مردان است، بنابراین آنها را در منزل نگاه دارید و حتی المقدور از خانه خارج نشوند. از آنجا که فرع دوم یعنی، حبس و حصر زنان مسئله پژوهش حاضر نیست و در آثار دیگری مورد بحث قرار گرفته است، از ورود به آن پرهیز می‌شود، لکن فرع اول به دلیل منتفی بودن دلیل آن که همان خلقت زن از مرد است، مخدوش به نظر می‌رسد.

۲-۲. گروه دوم روایات؛ زنان و همّت آنها در زینت‌طلبی و فسادانگیزی

سه روایت باقی مانده که در آن از علت این همّت سخنی به میان نیامده و اجزاء روایت شباهت بیشتری به هم دارند، در کتاب کافی، تحف العقول و نهج البلاغه نقل شده است. البته نقل کافی و دو کتاب دیگر از نظر مهتمّ به متفاوت است، اما آنچه باعث شد نقل کافی در این قسمت مورد بررسی قرار گیرد، هم به جهت عدم ذکر دلیل برای آن است و هم

عبارات قبل و بعد این عبارت که به نقل *نهج البلاغه* و *تحف العقول* نزدیک است. روایت نقل شده از کافی: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ السَّبَاعَ هُمُّهَا التَّعَدَىٰ وَإِنَّ الْبَهَائِمَ هُمُّهَا بَطُونُهَا وَإِنَّ النِّسَاءَ هُمُّهُنَّ الرِّجَالُ وَإِنَّ الْمُؤْمِنِينَ مُشْفِقُونَ خَائِفُونَ وَجِلُونَ جَعَلَنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ مِنْهُمْ».

روایت نقل شده از *تحف العقول*: «إِنَّ الْبَهَائِمَ هُمُّهَا بَطُونُهَا وَإِنَّ السَّبَاعَ هُمُّهَا التَّعَدَىٰ وَالظُّلْمَ وَإِنَّ النِّسَاءَ هُمُّهُنَّ زِينَةُ الدُّنْيَا وَالْفَسَادُ فِيهَا وَإِنَّ الْمُؤْمِنِينَ مُشْفِقُونَ مُسْتَكِينُونَ خَائِفُونَ».

روایت نقل شده از *نهج البلاغه*: «إِنَّ الْبَهَائِمَ هُمُّهَا بَطُونُهَا وَإِنَّ السَّبَاعَ هُمُّهَا الْعُدَاوَةُ عَلَىٰ غَيْرِهَا وَإِنَّ النِّسَاءَ هُمُّهُنَّ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْفَسَادُ فِيهَا إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ مُسْتَكِينُونَ إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ مُشْفِقُونَ إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ خَائِفُونَ».

با بررسی‌های انجام شده، مصدری جز *تحف العقول* برای خطبه ۱۵۳ *نهج البلاغه* یافت نشد و همان‌گونه که صاحب کتاب *نهج السعاده* فی مستدرک *نهج البلاغه* ذکر کرده است، احتمالاً منبع سیدرضی و *تحف العقول* یکی بوده است (محمودی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۲۰/۲۵۱). البته ابن شعبه حرانی خود، سندی ارائه نداده است. شباهت جملات و فضای حاکم بر روایات این سه منبع، باعث شده برخی نقل سیدرضی، ابن شعبه و کلینی را یکی بدانند (حسینی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۰/۳۴۳) که با تقطیع‌ها و یا تفاوت در تحمل روایت توسط راویان قبل و پس از آنها، تفاوت‌هایی بین این سه منبع به وجود آمده است. به همین سبب سه نقل موجود مقایسه می‌شوند. نقل موجود در *تحف العقول* و *نهج البلاغه* عیناً یکی است؛ جز عبارت مربوط به زنان، مابقی جملات موجود در نقل کلینی و *تحف العقول* نیز شباهت بسیار دارند.

مقابله متن کافی با *تحف العقول*، نشان می‌دهد که عبارت مربوط به زنان کاملاً متفاوت است و مابقی عبارات از مفاهیم نسبتاً یکسانی برخوردارند. پس از تطبیق این دو متن، می‌توان احتمالاتی را در نظر گرفت از جمله اینکه نقل موجود در کافی صحیح است و آنچه در *تحف العقول* و *نهج البلاغه* آمده، اعتباری ندارد؛ چراکه مضمون موجود در کتاب کافی در دیگر روایات نیز آمده است، اما برای نقل مقابل اینگونه نیست. احتمال دیگر اینکه به دلیل شباهت جملات قبل و بعد و صرفاً تفاوت در عبارت مربوط به زنان و اضطراب متنی، عبارت مربوط به زنان، توسط راویان - عمداً یا سهواً - بر متن افزوده شده است و بدین دلیل می‌بایست نادیده گرفته شود.

به جز موارد فوق، دو دلیل، استبعاد صدور این عبارت از معصوم علیه السلام فارغ از بحث سندی که قبلاً ضعف آن مطرح شد. راتقویت می‌کند که دلیل نخست هم‌ردیف قرار دادن زنان با درندگان و حیوانات است. با در نظر گرفتن معیارهای فهم حدیث که عبارات معطوف باید حاوی نقاط مشترک باشند، مشترک انگاشتن زنان ولو در معیاری حداقلی، با درندگان و حیوانات دور از شأن معصوم است (رسولی‌راوندی، ۱۳۹۴). دلیل دوم، جدا کردن زنان از مؤمنان است. در روایات مورد بحث آمده است که همّت زنان، مردان یا زینت دنیا و فساد در آن است و مؤمنان فروتن هستند و از خداوند می‌هراسند. این سخن بیانگر آن است که وجود مؤمنان در میان زنان، محتمل نیست و چنین امکانی وجود ندارد. به عبارتی دیگر، آنچه از ظاهر حدیث برداشت می‌شود آن است که زنان چنین همت‌هایی دارند و مردانی که مؤمن هستند از خداوند می‌هراسند. بدیهی است که این مقوله صحیح نیست و زنان مؤمنه فراوانی وجود دارند که مرتبه آنها از بسیاری از مردان نیز بالاتر است که قرآن کریم به این حقیقت تصریح کرده است (ر.ک.، تحریم: ۱۰-۱۱؛ آل عمران: ۴۲) و حضور واژه «مؤمنات» در کنار «مؤمنین» در آیات متعددی از قرآن، مؤیدی بر این سخن است و روایات متعددی در فضیلت زنانی چون حضرت خدیجه علیها السلام، حضرت زهرا علیها السلام، حضرت زینب کبری علیها السلام، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و غیره وجود دارد و از طرفی در عالم واقع بر کسی این موضوع پوشیده نیست و مورد تأیید همگان است.

نقطه تمایز انسان‌ها از یکدیگر، روح الهی اوست که فارغ از جنسیت در کالبد همه انسان‌ها دمیده می‌شود (ر.ک.، مؤمنون: ۱۴)، هر کس نیکوکار باشد چه مرد و چه زن سعادت‌مند خواهد شد (ر.ک.، نساء: ۱۲۴) و پاداش عملش را می‌بیند و حیاتی طیبه در انتظار اوست (ر.ک.، نحل: ۹۷). عمل هیچ‌کس چه زن و چه مرد تضییع نخواهد شد (ر.ک.، آل عمران: ۱۹۵) و تفاوت جنسیتی همچون تفاوت در رنگ و ملیت و اشکال ظاهری برای رفع نیاز انسان است و آنچه موجب برتری است، تقوایی است (ر.ک.، حجرات: ۱۳). قرآن کریم اساساً به تفکیک جنسیتی در خیر و شر باورمند نیست؛ چنانکه در قالب استفهامی توبیخی و انکاری، ارزشمند بودن پسران و بی‌ارزش بودن دختران را نفی می‌کند (ر.ک.، نجم: ۲۱-۲۲). پس چگونه می‌توان پذیرفت که از منظر اسلام زینت طلبی و فساد در دنیا مختص به زنان و یا حتی غالب در زنان باشد؟

در حالیکه قرآن کریم هم دختر و هم پسر را هدیه پروردگار توصیف می‌کند (ر.ک.، شوری: ۴۹). روایات متعددی نیز در منابع حدیثی وارد شده که گویای کرامت دختران و زنان و توصیه به نیکی و ارزش‌گذاردن به آنهاست. برای نمونه شیخ حر عاملی بابی در کتاب خویش گشوده با عنوان باب مستحب بودن دختردار شدن و اکرام آنها. در این باب روایاتی که با این مضمون نقل شده‌اند را گردآوری کرده است (حرعاملی، ۱۳۶۲، ۲۱/۳۶۱-۳۶۲). همچنین در باب کراهت بد دانستن دختران، روایاتی جمع‌آوری شده که در واکنش به ناراحتی افراد از دختردار شدن و یا دختر داشتن وارد شده است و عبارات بسیار ارزنده‌ای در وصف دختران توسط ائمه اطهار علیهم‌السلام در تلاش برای تغییر نگرش عموم مردم و حتی صحابه نزدیک به امامان معصوم علیهم‌السلام به زنان در آن روایات به چشم می‌خورد. اوصافی همچون باقیات‌الصالحات، گلی خوش‌بو، حسنات، نازل‌کننده برکت و سوق‌دهنده به بهشت و... (حرعاملی، ۱۳۶۲، ۲۱/۳۶۳-۳۶۶).

با مطالبی که مطرح شد به سهولت می‌توان دریافت که انتساب شر، فساد و بدی به یک جنسیت چه زن و چه مرد با روح حاکم بر قرآن و روایات متعارض است و نمی‌توان یک جنسیت را به زینت‌طلبی و فساد وصف نمود و جنسیت دیگر را از آن مبرا دانست. نکته‌ای که در قالب یک احتمال می‌بایست طرح و پاسخ داده شود این است که ممکن است روایاتی این چنین ناظر بر شرایطی خاص بوده و اشاره به فرد و یا افراد خاصی داشته باشد که در این صورت می‌بایست آن را یک استثناء و نه یک قاعده محسوب کرد. در ارتباط با آنچه که در *تحف‌العقول* و *نهج‌البلاغه* آمده، این احتمال منتفی نیست؛ چراکه به گفته ابن ابی‌الحدید این سخنان قبل از جنگ جمل در ذی‌قار ایراد شده است (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ ه.ق/۹۰/۱۶۲). همچنانکه در ارتباط با عبارات حضرت علی علیه‌السلام در خطبه هشتاد *نهج‌البلاغه* که در آن، اوصافی خاص از جمله نقص در عقل برای زنان مطرح شده است این احتمال وجود دارد؛ یعنی این روایات ناظر به قضیه شخصیه است نه حقیقیه (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۳۳۳)؛ چراکه سخنان دیگر حضرت علی علیه‌السلام در شرایط مختلف و سیره ایشان در رعایت کرامت زنان در حوزه‌های مختلف، با این توصیفات در تعارض است. چنانکه نقل شده ایشان پس از استماع شکایت سوده همدانی از بدرفتاری یکی از مأموران مالیاتی، حکم عزل وی را

نوشت و به سوده داد تا خود به آن شخص برساند (قمی، ۱۴۰۳. ه. ق. ۱/۶۷۱). این رخداد، بیانگر اعتماد به زنان و قائل شدن نقشی اثرگذار در صحنه اجتماع برای آنان از سوی حضرت علی علیه السلام است. بنابراین، توصیفاتى که ذکر شد. در صورت اطمینان از صحت صدور. ممکن است ناظر بر شرایط خاص و افراد خاصی باشد که در آن زمان به سبب عملکردشان مورد اعتراض امام علیه السلام بوده و مخاطب چنین اوصافی قرار گرفته‌اند. بنابراین، می‌توان احتمال داد که در روایات مورد بحث، مراد از نساء جنس زنان نبوده، بلکه فرد یا افرادی از این جنس که موجب بروز فتنه و فساد شده بودند، باشد. با در نظر گرفتن این احتمال می‌توان گفت که تعارض محتوای این منقولات با قرآن و سیره معصومین از جمله خود حضرت علی علیه السلام در تعارض نبوده و قابل جمع است.

سخن آخر درباره وجه همت زنان اینکه، تاریخ گواهی می‌دهد که کم نبوده و نیستند مردانی که همتشان معطوف به زنان و جلب توجه و رضایت آنان بوده است. به عبارتی دیگر، آنچه مشاهده می‌شود آن است که عموماً این اهتمام به صورت طرفینی وجود دارد و کثرت غریزی هر دو جنس چنین مطالبه‌ای دارد و دستورات فقهی و اخلاقی بسیاری برای هر دو جنس توسط شارع مقدس صادر شده تا این کثرت و کوشش را به مسیری صحیح هدایت و هر دو طرف از مرزها تعدی نکنند. البته با توجه به تمایلات هر دو جنس، نوع این اهتمام‌ها و کوشش‌ها متفاوت است؛ همانگونه که حقوق و تکالیفشان متفاوت است. این ارتباط طرفینی و تأثیر متقابل در تمامی زمینه‌ها وجود دارد، چنانکه قرآن کریم زنان را چونان لباسی برای مردان و مردان را همچون پوششی برای زنان توصیف کرده است (ر.ک.، بقره: ۱۸۷).

۳. بحث و نتیجه‌گیری

روایاتی که در آن از وجه همت زنان سخن به میان آمده است از منظر سندی ضعیف به شمار می‌آیند. رفع سندی و حضور روایانی مجهول، مهمل و در برخی موارد کذاب از مهم‌ترین اسباب ضعف سندی روایات مذکور است. مهمتّم به زنان در روایات به صورت کلی دو چیز دانسته شده است: مردان، زینت دنیا و فساد در آن. از طرفی برخی روایات که در آنها مهمتّم به اول ذکر شده به ذکر دلیل آن پرداخته‌اند؛ این دلیل، خلقت زن از مرد است. دلیل

ذکر شده با آیات قرآن و روایات دیگر تعارض دارد؛ در روایاتی که از کیفیت خلقت زن سخن گفته شده در دو گروه قابل تقسیم است: گروه اول که بیانگر خلقت حوا از دنده چپ آدم است و گروه دوم که خلقت حوا را از همان گلی می‌داند که آدم از آن خلق شده است. دلیل ذکر شده در روایات همت زنان، با گروه اول مطابقت مفهومی دارد که اساساً نادرست است. به سبب مخدوش بودن علت مذکور، معلول مطرح شده. اینکه همت زنان، مردان است. با چالش اعتبار محتوایی مواجه است.

دومین متهم به زنان، زینت و فساد در دنیا است. این مطلب در تحف العقول و نهج البلاغه آمده که به احتمال قوی، اشاره به فرد خاصی داشته و از یک قاعده کلی سخن نمی‌گوید. در غیراین صورت، ذکر همت زنان هم‌ردیف با درندگان و حیوانات و از طرفی جداسازی صف مؤمنان از زنان در نقل مذکور، با آیات قرآن و روایات متعدد دیگر در تناقض است و صدور آن از معصوم علیه السلام بعید به نظر می‌رسد.

زنان و مردان مکمل یکدیگرند و هر کدام می‌توانند حائز اوصاف نیک و یا ناپسندی باشند که پس از اعمال اختیاری آنها روشن می‌شود. اتصاف یک جنسیت به وصفی ناپسند و تعمیم آن به همه افراد آن جنسیت، نه با منطق قرآن و نه با سیره پیشوایان دین سازگار است و با توجه به واقعیات خارجی از منظر منطقی، عقلی و تجربی مخدوش است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۵)، مترجم: الهی قمشه‌ای، مهدی. تهران: پیام حق.
۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (۱۴۰۴ ه.ق). شرح نهج البلاغه. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
 ۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمان بن محمد (۱۴۱۹ ه.ق). تفسیر القرآن العظیم، محقق اسعد محمد طیب. ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.
 ۳. ابن داود حلی، حسن بن علی (۱۳۸۳)، کتاب الرجال. تهران: دانشگاه تهران.
 ۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ ه.ق). تحف العقول. مصحح: غفاری، علی اکبر. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
 ۵. ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۳۸۰). الرجال. محقق: حسینی جلالی، محمد رضا. قم: دار الحدیث.
 ۶. استرآبادی، محمد بن علی (۱۴۲۲ ه.ق). منهج المقال فی تحقیق اهل الرجال. قم: مؤسسه آل البیت لإحياء التراث.
 ۷. اعرابی، غلامحسین (۱۳۸۷). نگاهی نو به روایات آفرینش زن از دنده چپ مرد. نشریه پژوهش نامه قرآن و حدیث، ۵، ۴۷-۵۸.
 ۸. بلاغی، محمد جواد (بی تا). آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن. قم: انتشارات وجدانی.
 ۹. جواد آملی، عبدالله (۱۳۸۹). زن در آئینه جمال و جلال. قم: انتشارات اسراء.
 ۱۰. جواد آملی، عبدالله (۱۳۹۰). تفسیر تسنیم. قم: نشر اسراء.
 ۱۱. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۲). امل الآمل. محقق: حسینی اشکوری، احمد. قم: دارالکتاب الإسلامی.

۱۲. حسینی، عبدالزهراء (۱۴۰۹ هـ.ق). *مصادر نهج البلاغه و اسانیده*. بیروت: دارالزهراء.
۱۳. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۲ هـ.ق). *رجال حلی*. مصحح: بحر العلوم، محمد صادق. قم: شریف رضی.
۱۴. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۲). *معجم رجال الحدیث*. بی جا: بی نا.
۱۵. رسولی راوندی، محمدرضا (۱۳۹۴). بررسی روایات امام علی علیه السلام در توصیف ویژگی های فردی زن. نشریه پژوهش نامه علوی، ۱۲ (۶)، ۴۹ - ۸۸.
۱۶. سیدرضی، محمد بن حسین (گردآورنده) (۱۴۱۴ هـ.ق). *نهج البلاغه*. محقق: صالح، صبحی. قم: هجرت.
۱۷. شامی، عباسعلی (۱۳۸۰). منزلت زن در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام. نشریه مطالعات راهبردی زنان، ۱۱، ۲۴ - ۳۹.
۱۸. صابریان، علیرضا (۱۳۸۳). منزلت زن از منظر قرآن. نشریه انسان پژوهی دینی، ۱۲ (۱)، ۹۳ - ۱۱۱.
۱۹. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۸۵). *علل الشرائع*. قم: کتاب فروشی داوری.
۲۰. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰ هـ.ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. مصحح: رسولی، هاشم. تهران: ناصر خسرو.
۲۲. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ هـ.ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفه.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰ هـ.ق). *فهرست کتب الشیعه و اصولهم*. محقق: طباطبائی، عبدالعزیز. قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۷ هـ.ق). *رجال الطوسی*. محقق: قیومی اصفهانی، جواد. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۵. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ هـ.ق). *تفسیر العیاشی*. مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم. تهران: المطبعه العلمیه.
۲۶. قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله (۱۴۰۹ هـ.ق). *قصص الأنبیاء*. مصحح: عرفانیان یزدی، غلامرضا. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
۲۷. قمی، عباس (۱۴۰۳ هـ.ق). *سفینه البحار*. بیروت: دارالتعارف.
۲۸. کدخدایی، محمدرضا (۱۳۹۵). خلقت زن در اسلام؛ فزونی یا فزونی. نشریه پاسخ، ۱۱ (۱)، ۲۷ - ۵۴.
۲۹. کشتی، محمد بن عمر (۱۴۰۴ هـ.ق). *اختیار معرفه الرجال*. قم: مؤسسه آل البیت لإحیاء التراث.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ هـ.ق). *الکافی*. مصحح: غفاری، علی اکبر. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۳۱. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ هـ.ق). *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۳۲. محمودی، محمد باقر (۱۴۱۸ هـ.ق). *نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه*. مصحح: آل طالب، عزیز. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). *نظام حقوق زن در اسلام*. تهران: صدرا.
۳۴. منتجب الدین الدین رازی، علی بن عبدالله (۱۳۶۶). *فهرست منتجب الدین*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۳۵. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵). *رجال النجاشی*. محقق: شبیری زنجانی، موسی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نقش تعاملات زناشویی والدین و آموزش های آنان در زمینه ازدواج در پیش بینی نگرش فرزندان به ازدواج

شهره روشنی^۱

چکیده

نگرش به ازدواج از پیش بینی کننده های مهم رضایت پس از ازدواج است و مطالعه آن می تواند در درک زمینه ها و علل تأخیر ازدواج مؤثر باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تعاملات زناشویی والدین و آموزش های آنان در زمینه ازدواج در پیش بینی نگرش فرزندان به ازدواج به روش غیرآزمایشی از نوع همبستگی انجام شد. جامعه آماری شامل دختران و پسران مجرد ساکن شهر تهران بود که از بین آنان ۳۸۴ نفر به روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای انتخاب شدند. داده ها با استفاده از پرسش نامه استاندارد نگرش به ازدواج، و پرسش نامه های محقق ساخته سنجش آموزش های والدین در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی و سنجش رفتارهای والدین در تعاملات زناشویی گردآوری و با آزمون رگرسیون خطی چندمتغیره تحلیل شد. براساس نتایج از بین متغیرهای آموزش های پدر و مادر در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی و رفتارهای پدر و مادر در تعاملات زناشویی، فقط رفتارهای مادر در تعاملات زناشویی بر نگرش فرزند نسبت به ازدواج مؤثر است و افزایش مطلوبیت رفتارهای مادر، موجب نگرش مثبت تر فرزند به ازدواج می شود. براین اساس، با آگاهی بخشی به والدین و به ویژه مادران درباره نقش تأثیرگذار آنان در نگرش و عملکرد فرزندان در زندگی خانوادگی آینده و ارائه آموزش های لازم، می توان نقش آفرینی خانواده در ازدواج موفق فرزندان را تقویت نمود.

واژگان کلیدی: ازدواج فرزندان، نگرش فرزندان به ازدواج، تعاملات زناشویی

والدین، آموزش.

The Role of Parents' Marital Interactions and Their Marriage-Related Education in the Prediction of Children's Attitude to Marriage

Shohreh Roshani¹

The attitude to marriage is one of the most important predictors of satisfaction after marriage and studying it can clarify the contexts and causes of marriage delay. This research aimed to investigate the role of parents' marital interactions and their marriage-related education in the prediction of children's attitude to marriage with a non-experimental correlation method. The population included single girls and boys in the city of Tehran and 384 people were selected by the multistage sampling. The data were gathered by the standard questionnaire of attitude to marriage, and the researcher-made questionnaires of assessment of parent's marriage-related education and assessment of their marital interactions. They were analyzed by the multivariate linear regression test. According to the results, among the variables, just mothers' marital interactions influence children's attitude to marriage and the increase in its desirability leads to a better children's attitude to marriage. Therefore, by informing the parents, especially the mothers, about their effective role in children's attitude and performance in the future family life, and by providing necessary education, the family role in children's successful marriage can be increased.

Keywords: m: children's marriage, children's attitude to marriage, parent's marital interactions, education.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

Paper Type: Research

Data Received: 2021/ 03 / 29 **Data Revised:** 2021 / 05 / 31 **Data Accepted:** 2021/ 06 / 07

1. Assistant Professor of Women's Studies, Faculty Member of Institute of Women's Studies, Alzahra University, Tehran, Iran.

Email: sh.rowshani@alzahra.ac.ir

ازدواج از نظر اسلام امری پسندیده، مورد تأکید و عامل تکامل انسان است که در سایه آن، هر یک از زن و مرد به به جایگاه واقعی خود دست می‌یابند و زمینه تجلی و رشد ارزش‌های انسانی، فراهم می‌شود. در قرآن کریم از خانواده با عناوین مختلفی مثل آیه‌ای از آیات خداوند (ر.ک.، روم: ۲۱)، پیوند محکم (ر.ک.، نساء: ۲۱)، سبب نجات از فقر و برخورداری از فضل خداوند (ر.ک.، نور: ۳۲)، عامل تکثیر نسل (ر.ک.، شوری: ۱۱) و سنت پیامبران الهی (ر.ک.، رعد: ۳۸) یاد شده است. معصومین علیهم‌السلام ضمن ارج نهادن به جایگاه خانواده و تأکید بر تشکیل آن، در بیان اهمیت این بنای مقدس از تعابیر گوناگونی استفاده کرده‌اند و ازدواج را محبوب‌ترین بنا نزد خداوند (ر.ک.، نوری طبرسی، ۱۴۰۸ ه.ق، ۵۳۱/۲)، بالاترین نعمت پس از اسلام (ر.ک.، حر عاملی، ۱۳۶۷، ۳۸۹/۳)، کامل‌کننده دین (ر.ک.، مجلسی، ۱۴۰۴ ه.ق، ۲۱۹/۱۰۳)، گشاینده درهای رحمت الهی (ر.ک.، مجلسی، ۱۴۰۴ ه.ق، ۲۲۱/۱۰۰) و عامل ارزش یافتن عبادات (ر.ک.، کلینی، ۱۳۶۷، ۳۲۹/۵) بیان فرموده‌اند (بوجاری و برجم، ۱۳۹۲). اهمیت ازدواج در اسلام به اندازه‌ای است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یکی از حقوق فرزند بر پدر را به ازدواج در آوردن فرزند به وقت بلوغ او بیان فرموده است (ر.ک.، حر عاملی، ۱۳۶۷، ۴۸۲/۲۱). که به معنای آن است که شرایط و زمینه‌های مادی و معنوی ازدواج را در حد امکان فراهم کند. به طور معمول، حمایت مالی از فرزندان بر عهده پدر است، اما در سایر زمینه‌ها از جمله حمایت در زمینه ازدواج و تشکیل خانواده، مسئولیت‌هایی برای مادران نیز مقرر شده است. قرآن کریم در آیه ۳۲ سوره نور در خطابی عمومی می‌فرماید: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ»؛ براساس این آیه مسئولیتی اجتماعی برای پدران، مادران، بستگان و حتی دیگر افراد و نهادهای اثرگذار برای فراهم نمودن شرایط و امکانات ازدواج افراد بی‌همسر استنباط می‌شود (دهقان نژاد و بستان، ۱۳۹۶). بنابراین، ایجاد نگرش مثبت نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده از ضرورت‌های اولیه و بسیار مهم برای فراهم کردن زمینه ازدواج است. روان‌شناسان اجتماعی تعاریف گوناگونی از نگرش ارائه نموده‌اند؛ نگرش مجموعه‌ای از شناخت‌ها، باورها، عقاید و دانسته‌هاست که دربردارنده ارزشیابی‌های مثبت و منفی (احساسات) است که همگی به موضوعی مرکزی مرتبط هستند یا آن را توصیف می‌کنند و این احساسات و دانسته‌ها موجب ایجاد رفتارهایی معین می‌شوند (کریمی، ۱۳۹۶). نگرش

با تحت تأثیر قرار دادن نحوه تفکر و پردازش اطلاعات، به عنوان طرح ذهنی عمل نموده و با سازماندهی و نگهداری چارچوب‌های شناختی اطلاعات در مورد مفاهیم، موقعیت‌ها و حوادث، بر فرایند رفتار اثر می‌گذارد (سالاری فر، آذربایجانی، موسوی اصل، کاویانی، تیبیک و عباسی، ۱۳۹۸). نگرش، ساخت ذهنی پنهان در شخصیت هر فرد است. به عبارتی می‌توان نگرش را آمادگی فرد از لحاظ روانی در مواجهه با پدیده‌ها، مسائل و وقایع و بروز واکنش همراه با هیجان نسبت به رویدادها دانست. نگرش‌های افراد از گذشته آنان و تجربیات مختلف زندگی نشأت می‌گیرد (موسوی، ۱۳۹۲). نگرش به ازدواج نیز دورنمای ادراک، احساس و شیوه رفتار در این امر است؛ به طوری که تصویری که در ذهن فرد از ازدواج نقش می‌بندد تعیین‌کننده تصمیم‌گیری، کنش‌ها و عملکردهای اوست. اگر در گذشته ازدواج امری غیرشخصی و گاه تنظیم شده بود، به طوری که فرد در تصمیم‌گیری نقش چندانی نداشت، اما اکنون در دوران مدرن ازدواج امری فردی است؛ به طوری که فرد خود تصمیم‌گیرنده اصلی قلمداد می‌شود (چارلس، دیویس و هریس، ۲۰۰۸).

مطالعه نگرش به ازدواج به چند دلیل اهمیت دارد. براساس پژوهش‌های مختلف نگرش و تصمیم‌گیری در مورد ازدواج به عنوان یک رابطه طولانی مدت، مهم است؛ زیرا می‌تواند عواقبی برای شادی، رضایت از زندگی، سلامتی و بهزیستی روان شناختی فرد داشته باشد (هیپن^۱، ۲۰۱۶). علاوه بر این، نگرش یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های رفتار است. تمرکز بر ارتباط بین نگرش و رفتار در یک خط سیر طولانی نظریه پرداز از کنش متقابل نمادین از طریق نظریه رفتار برنامه ریزی شده آغاز شده و تا تلاش برای برقراری پیوند بین احساسات شخصی با تصمیمات زناشویی گسترش می‌یابد. همچنین این نگرش‌ها به مثابه نمونه‌ای از درونی‌سازی ادراکات فرهنگی، شواهدی از نظریه‌های مبتنی بر فرهنگ است که مباحث معاصر در زمینه تغییر ارزش‌های خانواده را برمی‌انگیزند (تریس، لوی و گوبرنسکایا، ۲۰۱۴). فراتر از کمک به درک ارتباط مهم رفتار آینده و نگرش کنونی، مطالعه عقاید و نگرش‌های زناشویی همچنین می‌تواند در درک زمینه‌ها و علل تأخیر ازدواج مؤثر باشد (هیموویتز، کارول، ویلکاکس و کای، ۲۰۱۳).

1. Charles, N., Davies, C., & Harris, C. C.
2. Hippen, K. A.
3. Treas, J., Lui, J., & Gubernskaya, Z.
4. Hymowitz, K., Carroll, J. S., Wilcox, W. B., & Kaye, K.

متخصصان معتقدند هرچه در سنین بزرگسالی ازدواج به تأخیر انداخته شود، نگرش‌ها به ازدواج، به چیزی غیر از رشد و بلوغ تشکیل خانواده تبدیل می‌شود (ویلوبی و دورکین، ۲۰۰۹). طی دو دهه اخیر نگرش منفی به ازدواج افزایش یافته است (دکونینک، ون دورن و متهایس، ۲۰۲۱) و تحقیقات ادهیکاری^۳ (۲۰۱۷) نشان می‌دهد در سال‌های اخیر نگرش به ازدواج تغییر کرده است. هنجارهای سنتی در مورد ازدواج و فرزندآوری در کشورهای پیشرفته در حال تخریب است. در این کشورها تحصیلات، فرصت‌های شغلی، نفوذ فرهنگی خارجی، رونق اینترنت و انقلاب موبایل به تغییر نگرش در بسیاری از پدیده‌ها و ساختارهای اجتماعی از جمله ازدواج کمک کرده است. محققان در ریشه‌یابی بیشتر مسائل و مشکلات خانواده به نگرش‌های ناصحیح در ازدواج اشاره دارند؛ آنان معتقدند این نگرش‌ها و احساسات در تصمیم‌گیری برای ازدواج، زمان ازدواج، انتظارات و رفتارهای زناشویی نقش بسیار مهمی دارد (خجسته‌مهر، محمدی و عباس‌پور، ۱۳۹۶). نگرش منفی به ازدواج پدیده افزایش سن ازدواج و یا مجرد قطعی را رقم می‌زند که منجر به اختلال در کارکرد خانواده شده و نابسامانی‌هایی همچون شیوع انواع فسادهای اجتماعی و بحران روابط جنسی را در پی دارد (نیک‌خواه، فانی و اصغری‌پور ماسوله، ۱۳۹۶).

مقایسه میزان ازدواج در ایران در سال‌های اخیر کاهش نرخ ازدواج را نشان می‌دهد؛ به طوری که در سال ۱۳۹۰ تعداد ازدواج در کشور ۸۷۴۷۹۲ مورد ثبت شده است؛ در حالی که در سال ۱۳۹۵، این رقم به ۷۰۴۷۱۶ و در سال ۱۳۹۷ به ۵۵۰۵۶۵ مورد کاهش یافته است. همچنین میانگین سن ازدواج قابل تأمل است. براساس آمار رسمی کشور میانگین سن ازدواج مردان و زنان به ترتیب در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ عبارتند از: ۲۶/۲ (مردان)، ۲۲/۵ (زنان)؛ ۲۶/۵ (مردان)، ۲۳/۳ (زنان)؛ ۲۷/۱ (مردان)، ۲۳/۶ (زنان)؛ ۲۷/۸ (مردان)، ۲۳/۴ (زنان). براین اساس، میانگین سن مردان در اولین ازدواج در طول ۲۰ سال (۱۳۷۵-۱۳۹۵) در حال افزایش بوده است. میانگین سن زنان در اولین ازدواج بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ افزایش را نشان داده است و در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ قدری کاهش یافته است (سایت سازمان ثبت احوال کشور). محققان نشان داده‌اند که در دوران اخیر

1. Willoughby, B. J., & Dworkin, J.
2. De Coninck, D., Van Doren, S., & Matthijs, K.
3. Adhikari, P.

نگرش به ازدواج منفی شده است (خجسته مهر، و همکاران، ۱۳۹۶) و نگرش منفی نسبت به ازدواج، کاهش میزان موالید، تأخیر در ازدواج و افزایش نرخ طلاق را در پی دارد (مور، ۲۰۲۰). نگرش امری اکتسابی است و به تدریج به وجود می آید؛ زیرا تجربه و آموزش در آن مؤثر است و چون نظامی برخوردار از ابعاد مختلف و هماهنگ است، سازه ای نسبتاً پایدار بوده و تغییر آن ساده نیست (سالاری فر، و همکاران، ۱۳۹۸). در همین رابطه محققان معتقدند که نگرش به ازدواج در مراحل اولیه زندگی شکل می گیرد و سازه ای نسبتاً پایدار است (نیازی، شاطریان و شفائی مقدم، ۱۳۹۴). والدین وظیفه پرورش کودک و اجتماعی کردن او طی مراحل مختلف را بر عهده دارند. فرزندان از دوران کودکی تا جوانی بیشترین زمان را با خانواده سپری نموده و نزدیک ترین روابط را با خانواده دارند، به همین دلیل خانواده مهمترین عامل رشد و تحول فرزندان در ابعاد گوناگون جسمی، عاطفی، شناختی و رفتاری است (سالاری فر، ۱۳۹۷). به نظر می رسد چون خانواده بیشترین ارتباط را با فرد دارد، می تواند از مهمترین تأثیرگذاران بر نگرش افراد نسبت به ازدواج باشد.

افراد نگرش ها، ارزش ها و کنش های مناسب به عنوان عضوی از یک فرهنگ خاص را طی فرایند جامعه پذیری می آموزند (بستان، ۱۳۹۶). جامعه پذیری فرایندی است که از طریق آن فرد دانش و مهارت های لازم را برای مشارکت مؤثر و فعال در زندگی اجتماعی کسب نموده و رفتارهای شخصی اش را توأم با ارزش ها و نگرش ها آموخته و آنها را در طول زندگی توسعه می دهد. مجموعه این ارزش ها، هنجارها، نگرش ها، دانش ها و مهارت ها، به فرد توانایی برقراری ارتباط با گروه ها و افراد مختلف جامعه و نیز پاسخ گویی مطلوب به انتظارات نقش های واگذار شده به او را می دهد. عمل جامعه پذیری به سه شیوه تقلید، تلقین و آموزش صورت می پذیرد. مکانیسم آموزش، یاد دادن، معرفی کردن و تکرار کردن یک موضوع است. آموزش، پایدارترین روشی است که اگر به صورت کارشناسی و با توجه به مقتضیات سنی افراد جامعه پذیر و امکانات آنان اجرا شود، عمل، هنجار یا ارزش مد نظر آموزنده در مخاطب درونی و نهادینه می شود (منادی، ۱۳۸۷). خانواده از مهمترین منابع جامعه پذیری است و جامعه پذیری از طریق آموزش در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی

می‌تواند در شکل‌گیری نگرش فرزندان به ازدواج مؤثر باشد.

مشاهده یا الگوبرداری، از دیگر شیوه‌های آموختن نگرش‌ها است. (سالاری فر... و همکاران، ۱۳۹۸) انسان‌ها با مشاهده دیگران، دانش، قواعد، مهارت‌ها، استراتژی‌ها، عقاید و نگرش‌ها را آموخته و با استفاده از الگوها، مفید و مناسب بودن رفتارها را می‌آموزند. مطابق با نظریه یادگیری اجتماعی، بسیاری از یادگیری‌های ما با الگوبرداری و مشاهده رفتار دیگران صورت می‌گیرد و نتیجه رفتارهای دیگران است. براساس این نظریه، یادگیری اجتماعی انسان با مشاهده نتایج رفتار الگو رخ می‌دهد و افراد در فرآیند جامعه‌پذیری، نگرش‌ها و رفتارها را ابتدا با مشاهده اعضای خانواده و الگوبرداری از آنها و سپس با مشاهده و الگوبرداری از دیگر افراد مهم می‌آموزند. باندورا با تمایز قائل شدن بین یادگیری مشاهده‌ای و تقلیدی، معتقد است یادگیری می‌تواند تقلیدی باشد یا نباشد و یادگیری مشاهده‌ای در هر زمانی می‌تواند رخ دهد؛ با تقویت یا بدون تقویت، با تقلید یا بدون تقلید. از نظر باندورا یادگیری پیچیده‌تر از یک تقلید است؛ زیرا تقلید، نوعی الگوبرداری ساده از رفتار دیگران است، ولی یادگیری با پردازش اطلاعات حاصل می‌شود. وی معتقد است که آموزش مستقیم، تنها وسیله برای یادگیری نیست، بلکه عنصری اجتماعی نیز در یادگیری دخیل است و افراد می‌توانند اطلاعات و رفتارهای جدید را از طریق مشاهده دیگران یاد بگیرند. باندورا، رفتار انسان را در یک ساختار ارتباط متقابل سه‌گانه یا روابط متقابل میان رفتار، متغیرهای محیطی و عوامل فردی توضیح داده است. در این ساختار، فرد ضمن تأثیر بر محیط و رفتار، از آنها تأثیر نیز می‌پذیرد. همچنین محیط و رفتار بر یکدیگر تأثیر و تأثر متقابل دارند. بنابراین، هر یک از سه عامل، در رابطه‌ای متقابل با دو عامل دیگر قرار دارد و تأثیر و تأثر متقابل و دوسویه بین عوامل برقرار است (چابکی و زارعان، ۱۳۹۸).

براساس نظریه یادگیری، افراد در فرایند اجتماعی شدن در وهله نخست در خانواده، نگرش‌ها و رفتارها را با مشاهده و مدل‌گیری از والدین می‌آموزند. فرایند یادگیری از سال‌های نخست زندگی فرد آغاز می‌شود و فرد با مشاهده و الگوبرداری از والدین، رفتار صمیمانه یا خشن را می‌آموزد و آن را مبنایی برای ایجاد روابط با دیگران قرار می‌دهد. در واقع، همین الگوها نگرش‌هایی در خصوص چگونگی رفتار با جنس مخالف به وی می‌دهد. براساس

این نظریه، بسیاری از رفتارها قابل تغییر و تفسیر است. اطلاعات و به دنبال آن یادگیری، اغلب از راه کنش متقابل با دیگران به دست می‌آید و در خانواده، با شکل‌گیری نخستین تعاملات اجتماعی انسان، اولین آموزش‌ها تحقق می‌یابد. در واقع، رفتار والدین، سرمشق و الگویی برای رفتارهای بعدی فرزندان می‌شود.

نظریه یادگیری تبیین‌کننده انتقال رفتارهای خوب و بد از والدین به فرزندان می‌باشد. فرهنگ مسلط در خانواده با انتقال به فرزندان، رفتار آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. براین اساس، خانواده با ارائه چشم‌اندازی مطلوب از روابط زناشویی و بازتاب هم‌دلی، عشق و عواطف بین زوجین، می‌تواند الگویی موفق برای ازدواج و تشکیل خانواده به فرزندان ارائه نماید. از این رو، هرگونه نگرشی درباره خانواده، ازدواج و چگونگی رفتار با همسر، با نظریه یادگیری قابل بررسی است (چابکی و زارعان، ۱۳۹۸). براساس نظریه یادگیری اجتماعی، تعاملات روزمره با والدین فرصت مشاهده و تقلید رفتارها و نگرش والدین را برای کودکان فراهم می‌کند (ولچیک، کریستوفر، تین، رودز و سندلر، ۲۰۱۹). در خانواده، بسیاری از نگرش‌های فرزندان با مشاهده نگرش‌ها و به طور خاص، مشاهده رفتارهای نگرشی والدین شکل می‌گیرد. این فرایند حتی در شرایطی که والدین در آموزش نگرشی خاص به فرزندان خود تعمد نداشته باشند، برقرار است. به این ترتیب فرایند الگوگیری نقش مهمی در شکل دادن نگرش‌ها ایفا می‌کند (شریفی زاده، ۱۳۹۱).

نتایج مطالعات مختلف نشان داده است که نگرش‌های کلی والدین درباره روابط و زندگی خانوادگی بر نگرش‌های فرزندان مؤثر است. مهارت‌های رابطه‌ای از قبیل سبک‌های کشمکش و الگوهای ارتباطی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند. احتمالاً مکانیسم انتقال نگرش‌های ارتباطی به این صورت است که همان‌گونه که والدین رفتارهای ارتباطی مثبت و منفی را به فرزندانشان سرمشق می‌دهند، فرزندان این رفتارها را تعمیم داده و انتظارات خود از ازدواج و دیگر روابط خانوادگی را بسط می‌دهند (ویلوبی، کارول، ویتاس و هیل، ۲۰۱۲). بنابراین، والدین نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش فرزندان به ازدواج دارند و به نظر می‌رسد نگرش فرزندان به ازدواج تحت تأثیر آموزش‌های والدین در زمینه ازدواج و زندگی

1. Wolchik, S., Christopher, C., Tein, J. Y., Rhodes, C. A., & Sandler, I. N.
2. Willoughby, B. J., Carroll, J. S., Vitas, J. M., & Hill, L. M.

زناشویی و نیز یادگیری اجتماعی رفتارهای والدین شکل می‌گیرد. از این رو، پژوهش حاضر نیز در پی بررسی نقش والدین در نگرش فرزندان به ازدواج از طریق بررسی تأثیر آموزش‌های والدین در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی و رفتارهای آنان در تعاملات زناشویی، بر نگرش فرزندان نسبت به ازدواج است.

در زمینه نقش خانواده و والدین در نگرش فرزندان به ازدواج پژوهش‌های مختلفی انجام شده است. خجسته مهر و همکاران (۱۳۹۶) فرایند شکل‌گیری نگرش به ازدواج را بررسی نموده‌اند که براساس نتایج آن تجربیات اولیه افراد و مشاهده الگوهای ناقص حاصل از مقایسه اجتماعی، کیفیت زندگی، سابقه ذهنی و طرح‌واره، الگوهای والدینی و نقش تربیتی خانواده از شرایط علی تغییر نسبی در نگرش به ازدواج است. نیازی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با بررسی نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر در نگرش منفی به ازدواج به این نتیجه رسیده‌اند که بین متغیرهایی همچون خانواده، با متغیر نگرش منفی به ازدواج رابطه معنادار وجود دارد و وجود بحران‌های خانوادگی، اختلافات والدین و ارائه تصویر منفی از ازدواج، موجب هراس فرزندان از ازدواج شده است. براساس یافته‌های اکباس، سورکیو، کوروگلو و اوزتورک^۱ (۲۰۱۹) نگرش مثبت دانشجویان به ازدواج تحت تأثیر ازدواج و خوشبختی والدین است. نتایج مطالعه عبدالله پور (۱۳۹۸)، کیم و یونگ^۲ (۲۰۱۵) حاکی از رابطه معنادار بین نگرش نسبت به ازدواج و طلاق با عملکرد خانواده است. در پژوهش عباسی و حسینی (۱۳۹۷) نیز عملکرد خانواده بیشترین نقش را در پیش‌بینی نگرش فرزندان به ازدواج داشت. براساس پژوهش لازینسکی^۳ (۲۰۱۶)، کوی و فینچام^۴ (۲۰۱۰) و خجسته مهر، ممبینی و اصلانی (۱۳۹۲)، فرزندان خانواده‌های طلاق در مقایسه با خانواده‌های عادی نگرش منفی‌تری به ازدواج داشتند. یافته‌های لی^۵ (۲۰۱۴) نیز نشان داده است که نگرش فرزندان نسبت به ازدواج بستگی زیادی به والدین و جو خانواده دارد؛ افرادی که والدین آنها درگیری داشتند یا طلاق گرفته بودند، نگرش منفی نسبت به ازدواج داشتند.

1. Akbas, M., Surucu, S. G., Koroglua, C. O., & Ozturk, M.
2. Kim, H. S., & Jung, Y. M.
3. Lazinski, M. J.
4. Cui, M., & Fincham, F. D.
5. Li, X.

همچنین پژوهش هوانگ و لین^۱ (۲۰۱۴) نشان داد که افزایش سطح تعارض والدین، بر نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج تأثیر منفی داشته است و دانش‌آموزان خانواده‌های سالم یا خانواده‌هایی که درگیری والدین پایین‌تری داشتند، نگرش مثبت‌تری نسبت به ازدواج داشتند. مطالعه اکبری قمصری و مهدی‌زاده مقدم (۱۳۹۸) نیز نشان داد که جو مثبت خانواده بر گرایش به ازدواج تأثیر مثبت دارد. همچنین یافته‌های باقریان و کاظمیان (۱۳۹۰) حاکی از همبستگی مثبت معنادار بین نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج و مؤلفه‌های جو اجتماعی خانواده است.

وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین، تمرکز آن بر نقش والدین در آموزش و یادگیری فرزندان در خانواده در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی در فرایندی طولانی، یعنی دوران کودکی، نوجوانی و جوانی و سنجش تأثیر این فرایند بر نگرش به ازدواج است که چنین رویکردی در پژوهش‌های پیشین دیده نشده است. از این رو، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ این پرسش بوده است که آیا آموزش‌های والدین در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی و رفتارهای آنان در تعاملات زناشویی بر نگرش فرزندان نسبت به ازدواج مؤثر است؟

۲. شیوه اجرای پژوهش

۲-۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف، کاربردی و از حیث زمان، مقطعی است که به روش غیرآزمایشی از نوع همبستگی انجام شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS ۲۵ و به روش رگرسیون خطی چندمتغیره انجام شد. در پژوهش حاضر برای سنجش روایی پرسش‌نامه‌های محقق ساخته از اعتبار صوری (ظاهری) استفاده شده است که بدین منظور پرسش‌نامه‌ها در اختیار چند متخصص در آن موضوع قرار گرفت و با بهره‌گیری از نظرات آنان پرسش‌نامه‌ها اصلاح و در نهایت توسط ایشان تأیید شد. برای سنجش میزان پایایی پرسش‌نامه‌ها نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شد.

1. Huang, Y. C., & Lin, S. H.

۲-۲. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل دختران و پسران مجرد ساکن شهر تهران بود که برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد. براساس آخرین سرشماری (سال ۱۳۹۵)، تعداد زنان هرگز ازدواج نکرده ۱۵ تا ۳۹ ساله شهر تهران ۷۴۷۰۸۷ نفر و تعداد مردان هرگز ازدواج نکرده ۲۰ تا ۳۹ ساله شهر تهران ۷۴۲۰۳۳ نفر بوده است که مجموع آن ۱۴۸۹۱۲۰ می باشد؛ در نتیجه براساس فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شد و افراد نمونه به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای با در نظر گرفتن ملاحظات اخلاقی پژوهش از جمله رضایت آگاهانه انتخاب شدند.

۲-۳. ابزار پژوهش

۲-۳-۱. پرسش‌نامه نگرش به ازدواج

پرسش‌نامه استاندارد نگرش فرزند به ازدواج توسط براتن و روزن (براتن و روزن، ۱۹۹۸^۱، به نقل از نیلفروشان، نویدیان و عابدی، ۱۳۹۲) ساخته شده و شامل ۲۳ گویه در طیف چهار درجه‌ای لیکرت است. این مقیاس چهار مؤلفه نگرش خوش بینانه، بدبینانه، ایده‌آل‌گرایانه و واقع‌گرایانه به ازدواج را می‌سنجد. شیمکوفسکی، پونیانونت-کارتز، کولول و نورمن^۲ (۲۰۱۸)، القشان و الکندری^۳ (۲۰۱۰)، غلامی قره‌شیران، ثنایی، کیامنش و زهراکار (۱۳۹۹)، شعفی زاده، پورنجاریان و سپهری شاملو (۱۳۹۸)، سیاح، کوچک انتظار و حسنی (۱۳۹۶) و نیل فروشان و همکاران (۱۳۹۲)، به ترتیب ضریب آلفای کرونباخ ۰٫۸۹، ۰٫۷۲، ۰٫۷۶، ۰٫۷۵ و ۰٫۷۷ را برای این مقیاس گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ این مقیاس ۰٫۷۶۳ بوده است.

۲-۳-۲. پرسش‌نامه سنجش آموزش‌های والدین در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی

این پرسش‌نامه محقق ساخته، شامل مؤلفه‌های آموزش نحوه انتخاب همسر، آموزش حقوق و تکالیف در زندگی زناشویی، آموزش ویژگی‌های جنسیتی و آموزش نحوه تعامل مطلوب با همسر و خانواده او می‌باشد. این مقیاس دارای ۲۴ گویه در طیف پنج درجه‌ای لیکرت است که میزان آموزش‌های هر یک از والدین در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی را

1. Braaten, E. B., & Rosén, L. A.
2. Shimkowski, J. R., Punyanunt-Carter, N., Colwell, M. J., & Norman, M. S.
3. Alqashan, H., & Alkandari, H.

می‌سنجد. آلفای کرونباخ پیش‌آزمون با اجرای پرسش‌نامه بر روی نمونه اولیه به تعداد ۳۰ نفر، برای آموزش‌های پدر و مادر در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی به ترتیب ۰٫۹۸۹ و ۰٫۹۸۴ بود و پس از اجرای کامل آزمون نیز آلفای کرونباخ محاسبه شده که برای آموزش‌های پدر و مادر در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی به ترتیب ۰٫۹۸۵ و ۰٫۹۸۳ شد.

۲-۳-۳. پرسش‌نامه سنجش رفتارهای والدین در تعاملات زناشویی

این پرسش‌نامه محقق ساخته شامل مؤلفه‌های رعایت حقوق و انجام تکالیف زناشویی توسط والدین، توجه والدین به ویژگی‌های جنسیتی، تعامل صحیح والدین با یکدیگر و تعامل صحیح والدین با خانواده‌های یکدیگر است. این مقیاس دارای ۱۲ گویه در طیف پنج درجه‌ای لیکرت است که رفتار هر یک از والدین در زندگی زناشویی را می‌سنجد. آلفای کرونباخ پیش‌آزمون با اجرای پرسش‌نامه بر روی نمونه اولیه به تعداد ۳۰ نفر، برای رفتارهای پدر و مادر در تعاملات زناشویی به ترتیب ۰٫۹۶۹ و ۰٫۹۳۷ بود و پس از اجرای کامل آزمون نیز آلفای کرونباخ محاسبه شد که برای رفتارهای پدر و مادر در تعاملات زناشویی به ترتیب ۰٫۹۶۱ و ۰٫۹۵۱ شد.

۳. یافته‌های پژوهش

نمونه پژوهش ۳۸۴ نفر با میانگین سنی ۲۳٫۸ سال، شامل ۲۳۰ دختر ۱۵ تا ۴۰ ساله و ۱۵۴ پسر ۱۹ تا ۴۰ ساله بود؛ بدین ترتیب ۵۹٫۹٪ از نمونه را دختران و ۴۰٫۱٪ را پسران تشکیل دادند. اکثر مشارکت‌کنندگان در گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال (۴۱٫۱٪) و ۲۵ تا ۲۹ سال (۲۱٫۶٪) قرار داشتند. تحصیلات افراد از زیردیپلم تا دکترا بود و اکثر مشارکت‌کنندگان تحصیلات دیپلم (۴۶٫۱٪) و لیسانس (۲۶٫۸٪) داشتند. سن پدران ۳۱ تا ۸۳ سال با میانگین سنی ۵۴٫۶ و سن مادران ۲۹ تا ۷۸ سال با میانگین سنی ۴۹٫۱ بود. میانگین نمره استاندارد شده در بازه ۰ تا ۱۰۰ آموزش‌های پدر در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی، ۵۹٫۹۴ با انحراف استاندارد ۳۰٫۱۹ و بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به آموزش بسیار زیاد (۳۱٫۸٪)، زیاد (۲۶٪)، متوسط (۱۹٪)، کم (۱۳٫۳٪) و بسیار کم (۹٫۹٪) بود. اکثر مشارکت‌کنندگان (۵۷٫۸٪) میزان آموزش‌های پدر در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی را زیاد و بسیار زیاد

ارزیابی کردند. میانگین نمره استاندارد شده در بازه ۰ تا ۱۰۰ آموزش های مادر در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی، ۶۸٫۵۹ با انحراف استاندارد ۲۶٫۶۸ و بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به آموزش بسیار زیاد (۴۰٫۶٪)، زیاد (۲۶٫۶٪)، متوسط (۲۰٫۳٪)، کم (۷٫۸٪) و بسیار کم (۴٫۷٪) بود. اکثر مشارکت کنندگان (۶۷٫۲٪) میزان آموزش های مادر در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی را زیاد و بسیار زیاد ارزیابی کردند.

میانگین نمره استاندارد شده در بازه ۰ تا ۱۰۰ رفتارهای پدر در تعاملات زناشویی، ۶۶٫۴۷ با انحراف استاندارد ۲۲٫۰۲ و بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به مطلوبیت زیاد (۳۴٫۴٪)، بسیار زیاد (۲۷٫۹٪)، متوسط (۲۶٫۶٪)، کم (۸٫۸٪) و بسیار کم (۲٫۳٪) بود. اکثر مشارکت کنندگان (۶۲٫۳٪) میزان مطلوبیت رفتارهای پدر در تعاملات زناشویی را زیاد و بسیار زیاد ارزیابی کردند. میانگین نمره استاندارد شده در بازه ۰ تا ۱۰۰ رفتارهای مادر در تعاملات زناشویی، ۷۴٫۲۰ با انحراف استاندارد ۱۹٫۳۴ و بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به مطلوبیت بسیار زیاد (۴۲٫۲٪)، زیاد (۳۳٫۳٪)، متوسط (۲۰٫۳٪) و کم (۴٫۲٪) بود. اکثر مشارکت کنندگان (۷۵٫۵٪) میزان مطلوبیت رفتارهای مادر در تعاملات زناشویی را زیاد و بسیار زیاد ارزیابی کردند. میانگین نمره استاندارد شده در بازه ۰ تا ۱۰۰ نگرش به ازدواج، ۶۷٫۸۶ با انحراف استاندارد ۸٫۹۰ و بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به نگرش مثبت زیاد (۷۱٫۱٪)، متوسط (۱۸٫۵٪)، بسیار زیاد (۹٫۹٪)، و کم (۰٫۵٪) بود. نمره اکثر مشارکت کنندگان (۸۱٪) بالاتر از ۶۰ بود که نشان دهنده زیاد بودن نگرش مثبت به ازدواج است.

جدول ۱

ماتریس همبستگی بین متغیرهای آموزش های والدین، رفتارهای والدین و نگرش به ازدواج

متغیر	آموزش های پدر	آموزش های مادر	رفتارهای پدر	رفتارهای مادر	نگرش به ازدواج
آموزش های پدر	-				
آموزش های مادر	**۷۹۵.	-			
رفتارهای پدر	**۳۶۷.	**۲۶۸.	-		
رفتارهای مادر	**۲۲۱.	**۲۸۹.	**۶۳۷.	-	
نگرش به ازدواج	۰۵۸.	*۱۲۰.	*۱۱۰.	**۲۰۴.	-

**P ≤ ۰٫۰۱، *P ≤ ۰٫۰۵

براساس جدول ۱ بین سه متغیر آموزش های مادر در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی، رفتارهای پدر و رفتارهای مادر در تعاملات زناشویی با نگرش فرزندان نسبت به ازدواج رابطه مثبت معنادار وجود دارد و آموزش های پدر در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی با نگرش فرزندان نسبت به ازدواج رابطه معنادار ندارد.

برای سنجش تأثیر متغیرهای پیش بین بر نگرش به ازدواج از رگرسیون خطی چندمتغیره گام به گام استفاده شده است. براساس نتایج معناداری مدل رگرسیون برای پیش بینی نگرش نسبت به ازدواج، مقدار R^2 که برابر با ۰٫۰۴۳ می باشد، نشان می دهد که ۴٪ از کل تغییرات نگرش فرزندان به ازدواج وابسته به سه متغیر آموزش های مادر، رفتارهای پدر و رفتارهای مادر در تعاملات زناشویی است. با توجه به این که F محاسبه شده معنی دار است، مدل رگرسیون خطی معنادار بوده، در نتیجه آموزش های مادر، رفتارهای پدر و رفتارهای مادر در تعاملات زناشویی با نگرش فرزندان نسبت به ازدواج رابطه خطی معنادار دارند. از بین سه متغیر آموزش های مادر، رفتارهای مادر و رفتارهای پدر، دو متغیر آموزش های مادر و رفتارهای پدر از مدل خارج شده و بر متغیر نگرش فرزندان به ازدواج تأثیری نداشته اند، اما متغیر رفتارهای مادر در تعاملات زناشویی بر نگرش فرزندان به ازدواج مؤثر است. با توجه به مقدار ضریب تأثیر رگرسیونی ($Beta = ۰٫۲۰۷$) نیز می توان گفت که به ازای یک انحراف استاندارد در متغیر رفتارهای مادر در تعاملات زناشویی، نمره نگرش فرزندان به ازدواج به میزان ۰٫۲۰۷ انحراف استاندارد افزایش می یابد. بنابراین از بین چهار متغیر پژوهش، فقط متغیر رفتارهای مادر در تعاملات زناشویی، پیش بینی کننده نگرش فرزندان به ازدواج است.

۴. بحث و نتیجه گیری

یکی از پایه های اساسی شکل گیری جامعه ازدواج و فرزندآوری است. اغلب جوامع و فرهنگ ها چارچوب های مشخص و معینی را در شکل گیری ازدواج در نظر دارند؛ به طوری که فراروی از آن چارچوب را امری ناپسند و ناهنجار می شمارند. در ایران همچون بسیاری از جوامع و فرهنگ ها ازدواج امری مسلم، پذیرفته شده و مورد تأکید است.

دین اسلام همواره بر ازدواج جوانان تأکید داشته و در مواردی آن را واجب می‌داند. باین حال، در دوران اخیر ازدواج و شکل‌گیری خانواده با دگرگونی‌های زیادی روبرو شده است، به طوری که در خوش‌بینانه‌ترین حالت جوانان ازدواج را مانع پیشرفت دانسته و یا عدم توانایی مالی را مانع ازدواج می‌دانند و از ازدواج سرباز می‌زنند، اما گاه نیز این اندیشه که نیازهای جنسی الزاما نباید در چارچوب ازدواج تأمین شود، جوانان را از ازدواج منصرف کرده است. هر دو اندیشه هر چند در سطوحی بسیار متفاوت، آسیب‌های فردی و اجتماعی را دربردارد. منشأ بسیاری از این دگرگونی‌ها را می‌توان در تغییر نگرش نسبت به ازدواج پیدا کرد. بنابراین، یک گام مهم در زمینه حل مسئله ازدواج جوانان، بررسی نگرش آنان به ازدواج و عوامل تأثیرگذار بر آن است. با توجه به اینکه عمیق‌ترین ارتباطات فرد در بستر خانواده و در رابطه با والدین شکل می‌گیرد و استمرار می‌یابد، والدین را می‌توان از مهمترین منابع مؤثر بر باورها و نگرش‌های افراد دانست. از این رو، پژوهش حاضر به بررسی نقش والدین در نگرش فرزندان به ازدواج پرداخته است.

براساس یافته‌ها از بین چهار متغیر آموزش‌های پدر، آموزش‌های مادر، رفتارهای پدر و رفتارهای مادر، فقط رفتارهای مادر در تعاملات زناشویی بر نگرش فرزندان نسبت به ازدواج مؤثر است و افزایش رفتارهای مطلوب مادر در تعاملات زناشویی، موجب نگرش مثبت‌تر فرزند به ازدواج می‌شود. این نتیجه با یافته‌های مطالعات پیشین در این زمینه که همگی حاکی از تأثیر کیفیت روابط والدین بر نگرش فرزندان به ازدواج است، همسوست. براساس پژوهش‌های پیشین الگوهای والدینی از شرایط علی مؤثر بر نگرش به ازدواج است (ر.ک.، خجسته‌مهر، و همکاران، ۱۳۹۶) و نگرش مثبت فرزندان به ازدواج تحت تأثیر ازدواج و خوشبختی والدین می‌باشد (ر.ک.، اکباس، و همکاران، ۲۰۱۹). عملکرد خانواده با نگرش مثبت به ازدواج رابطه معنادار داشته (ر.ک.، کیم و یونگ، ۲۰۱۵؛ عبدالله‌پور، ۱۳۹۸؛ عباسی و حسینی، ۱۳۹۷) و جو مثبت خانواده بر گرایش به ازدواج تأثیر مثبت دارد (ر.ک.، اکبری قمصری و مهدی‌زاده مقدم، ۱۳۹۸؛ باقریان و کاظمیان، ۱۳۹۰). در مقابل، بحران‌های خانوادگی، اختلافات والدین و ارائه تصویر منفی از ازدواج، با نگرش منفی به ازدواج رابطه معنادار دارد (ر.ک.، نیازی، و همکاران، ۱۳۹۴)، درگیری والدین و افزایش سطح تعارض آنان موجب نگرش منفی فرزندان به ازدواج می‌شود (ر.ک.، هوانگ و لین، ۲۰۱۴؛ لی، ۲۰۱۴) و

طلاق والدین نیز بر نگرش منفی فرزندان به ازدواج مؤثر است (ر.ک.، لازینسکی، ۲۰۱۶؛ کوی و فینچام، ۲۰۱۰؛ خجسته مهر، و همکاران، ۱۳۹۲).

یافته‌های پژوهش حاضر با نظریات موجود در این زمینه هماهنگی دارد. براساس نظریه یادگیری اجتماعی، باورها و نگرش‌های والدین درباره زندگی زناشویی از طریق الگوپذیری به فرزندان منتقل می‌شود و نگرش آنان به ازدواج تحت تأثیر مشاهده رفتارهای والدین در تعاملات زناشویی شکل می‌گیرد. فرزندان با مشاهده ازدواج والدین به ارزیابی مطلوبیت ازدواج می‌پردازند و بدین صورت نگرش فرزندان به ازدواج از مشاهدات و ادراکات آنان از کیفیت روابط والدین در زندگی زناشویی نشأت می‌گیرد.

نظریه دیگری که با استفاده از آن می‌توان تأثیرپذیری نگرش فرزندان از کیفیت ازدواج والدین را تبیین کرد، نظریه انتقال بین نسلی است که نشان دهنده چگونگی انتقال نگرش و رفتار از والدین به فرزندان است. براساس این نظریه، رفتار والدین در تعاملات زناشویی الگویی برای فرزندان است که تعمیم این الگو توسط فرزندان، انتظارات و نگرش آنان نسبت به ازدواج را پایه‌ریزی نموده و به مدل‌سازی فرزندان از تعاملات والدین در زندگی آینده‌شان منجر خواهد شد. کودکی که در خانواده‌ای سالم با تعاملات زناشویی مثبت والدین رشد می‌کند ازدواج را امری مثبت می‌پندارد، ولی کودکی که در خانواده‌ای با تعاملات زناشویی منفی والدین رشد می‌کند دیدگاه مثبتی به ازدواج نخواهد داشت. بنابراین، تجارب کودکان از روابط والدینشان نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری نگرش آنان به ازدواج و زندگی زناشویی دارد که در تصمیم‌گیری برای ازدواج و نیز نحوه عملکرد آنان در زندگی زناشویی آینده‌شان نقش بسزایی دارد. علاوه بر این، کیفیت زناشویی والدین، باورها و نگرش‌هایی را که والدین با فرزندان‌شان به اشتراک می‌گذارند تحت تأثیر قرار می‌دهد. براین اساس، والدینی که از ازدواج و زندگی زناشویی خود رضایت دارند، دیدگاه مثبتی در زمینه ازدواج خواهند داشت و این دیدگاه مثبت را در گفت‌وگو با فرزندان به آنها انتقال می‌دهند و نگرش فرزندان به ازدواج را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

نقش مؤثر رفتارهای مادر در تعاملات زناشویی در پیش‌بینی نگرش فرزند به ازدواج از یافته‌های مهم پژوهش حاضر است. رابطه عمیق مادر و فرزند که ریشه در همزیستی و

هم جواری بیشتر مادر با فرزند دارد، می‌تواند از دلایل تسهیل و تقویت تأثیر مادر بر نگرش فرزند در مقایسه با سایر مراجع مؤثر باشد. همچنین با توجه به اینکه به طور معمول پدر به دلیل اشتغال، حضور کمتری در خانه دارد و مادر و فرزند زمان بیشتری را با هم سپری می‌کنند، مشاهده بیشتر رفتارهای مادر در مقایسه با رفتارهای پدر، می‌تواند در افزایش تأثیرپذیری فرزند از مادر، نسبت به پدر، در ابعاد گوناگون و از جمله نگرش به موضوعات مختلف نقش داشته باشد. در دین اسلام نیز بر نقش تربیتی مادران تأکید ویژه‌ای شده است و روایات نقل شده در زمینه برخی ویژگی‌های زن که در همسرگزینی باید مورد توجه مرد قرار گیرد، شاهی بر این مطلب است (ر.ک.، جوادی آملی، ۱۳۹۳).

آثار تربیتی بی‌بدیل نقش مادری و توجه خاص آموزه‌های اسلامی نسبت به آن، حاکی از اهمیت جایگاه مادری در اسلام است (خانی مقدم، ۱۳۹۵). خداوند برای مادر وظیفه پرورش، تزکیه و پالایش را قرار داده تا فرزند را با مربی‌گری خود، به درجات متعالی رشد و سلوک برساند. این وظیفه سنگین و حساس مادر است؛ زیرا کودک از ابتدای زندگی، مادر را تنها حلقه ارتباطی خود با دنیای مادی می‌داند. مادر اولین مربی کودک در زندگی است. مربی به معنای تربیت‌کننده و پرورش‌دهنده و در اصطلاح معلمی است که به خیر و نیکی دعوت می‌کند. نقش الگویی، مهم‌ترین نقش مربی است و تفاوت مربی با معلم این است که معلم از طریق صحبت کردن، دیگران را دعوت به خیر می‌کند؛ ولی مربی با عمل، دعوت می‌کند. در واقع، همه رفتارهای مادر در جایگاه مربی، الگوی فرزند است (میرخانی، غروی نائینی و همدانیان، ۱۳۹۰). همچنین توجه به این نکته ضروری است که اگرچه مادری از مهمترین نقش‌های زن در خانواده است، اما در بیان نسبت میان دو نقش مادری و همسری باید گفت که علاوه بر آموزه‌های دینی که همسری را تکلیف واجب زن می‌داند، تحلیل‌های روان‌شناختی نیز اولویت را به نقش همسری می‌دهد. ایفای نقش همسری به نحو مطلوب و در نتیجه رابطه صحیح همسران، محور اساسی در تربیت است و آشنفگی در رابطه پدر و مادر منجر به ایجاد مشکل در فرزندپروری می‌شود. در واقع، یک سیستم زن و شوهری وجود دارد که محور خانواده است و پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که اگر سیستم زن و شوهری دچار ضعف شود، تمامی زیرسیستم‌های خانواده نیز ضعیف خواهند شد. بنابراین، اگر

رابطه زن و شوهر دچار اختلال شود، رابطه والدین و فرزندان و در نتیجه فرزندپروری نیز دچار اختلال خواهد شد (جان بزرگی، ۱۳۹۳).

یافته‌های پژوهش حاضر نشان دهنده عدم تأثیر رفتارهای پدر در تعاملات زناشویی بر نگرش فرزند به ازدواج است که به نظر می‌رسد حاکی از کاهش نقش تربیتی پدر در خانواده دارد. تأکید بیش از حد بر اهمیت نقش مادر در تربیت فرزند می‌تواند آسیب به حاشیه رفتن پدر در امر تربیت را در پی داشته باشد. عدم همکاری پدر در امر تربیت، نابسامانی در تربیت فرزندان به ویژه پسران را به دنبال دارد؛ زیرا از سویی موجب شکل‌گیری هویت پسر با همانندسازی و الگوگیری از مادر در غیاب الگوی مردانه می‌شود و از سوی دیگر، جامعه‌پذیری فرزندان برای پذیرش و ایفای نقش‌های جنسیتی را دچار اختلال می‌کند (حاجی اسماعیلی، ۱۳۹۳) که در نهایت موجب مواجه شدن فرزندان با مشکلات مهمی در آینده خواهد شد. بنابراین، لازم است به نقش تربیتی پدران در خانواده توجه شود و تدابیری اندیشیده شود که پدران حضور پررنگ‌تری در تربیت فرزندان داشته باشند و همچنین آگاهی و مهارت‌های لازم را برای ایفای نقش مؤثر پدری کسب نمایند.

موضوع دیگری که در نتایج برجسته است، تأثیرگذاری تعاملات در مقایسه با آموزش‌های مستقیم است. تعاملات و عملکرد مادر در زندگی زناشویی خواسته و ناخواسته بر نگرش فرزندان به ازدواج تأثیرگذار است. یک اصل تربیتی مهم در تعاملات اجتماعی دقت در رفتار است؛ زیرا تأثیرگذاری رفتار بسیار بیشتر از گفتار است و بر این اساس، عملکرد مادر در زندگی، راهنمای عملی و الگوی فرزند است. روایات نقل شده در این زمینه نیز مؤید این مطلب است چنان که امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ السِّيْتِكُمْ...» (کلینی، ۱۳۶۷، ۲/۷۸). دین مبین اسلام بر مسئولیت والدین در قبال تربیت فرزندان و سرنوشت آنان سفارش اکید دارد و در این راستا حقوقی را برای فرزند بر عهده پدر مشخص کرده است که از جمله این حقوق آن است که اسلام یکی از وظایف اصلی پدر را به ازدواج درآوردن فرزند به وقت بلوغ او می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۹۳). طبیعی است که به ازدواج درآوردن فرزند نیاز به مقدماتی از جمله ایجاد نگرش صحیح به ازدواج و تشکیل خانواده در فرزند دارد. در دوران کنونی خانواده با رقبای جدی تربیتی در برابر خود مواجه شده است

و در نتیجه جایگاه تربیتی آن رو به افول است. مراجع یادگیری و آموزشی خارج از خانواده در تلاشند که بیشترین تاثیرگذاری را بر اندیشه و عملکرد جوانان داشته باشند؛ خانواده برای مصون ماندن از خطرات و آسیب‌هایی که فرزندان را تهدید می‌کند، باید ضمن پرهیز از دخالت‌های نابجا و موعظه‌های مداخله‌گرایانه، هوشمندانه فرزندان را هدایت نماید که لازمه آن آگاهی بخشی و توانمندسازی والدین در این زمینه است.

باتوجه به اهمیت ازدواج و کارکردهای مهم فردی و اجتماعی آن، به‌ویژه با رویکرد اسلامی - ایرانی، پیشنهاد می‌شود در سیاستگذاری‌های ازدواج، بر نقش والدین در ایجاد نگرش صحیح فرزندان به ازدواج توجه ویژه شود و در برنامه‌ریزی‌های مرتبط با خانواده نیز، با آگاهی بخشی به والدین در زمینه نقش مؤثر آنان در نگرش و عملکرد فرزندان در زندگی خانوادگی آینده و ارائه آموزش‌های لازم به والدین، زمینه را برای تقویت نقش تربیتی خانواده بیش از پیش فراهم نمود.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۲). مترجم: فولادوند، محمد مهدی. قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
۱. اکبری قمصری، امیر، و مهدی زاده مقدم، حسین (۱۳۹۸). تحلیل تطبیقی گرایش به ازدواج و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان و طلاب شهر تهران. نشریه جامعه‌شناسی ایران، ۴(۲۰)، ۵۸-۸۵.
 ۲. باقریان، مهرنوش، و کاظمیان، سمیه (۱۳۹۰). ارتباط نگرش نسبت به ازدواج و طلاق با مؤلفه‌های جو اجتماعی خانواده در دانشجویان دانشکده پرستاری حضرت زینب (علیها السلام) لارستان. نشریه دنا، ۱(۶) و ۱۱-۲۰.
 ۳. بستان (نجفی)، حسین (۱۳۹۶). جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 ۴. بوجاری، سهیلا، و پرچم، اعظم (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی جایگاه و اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده در اسلام و یهود. نشریه معرفت ادیان، ۴(۳)، ۱۷-۳۶.
 ۵. جان بزرگی، مسعود (۱۳۹۳). مادری در نگاه دینی و عینیت اجتماعی. قم: مرکز تحقیقات زن و خانواده.
 ۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳). مفاتیح الحیات. قم: اسراء.
 ۷. چاپکی، ام‌البنین، و زارعان، منصوره (۱۳۹۸). درآمدی بر نظریه‌های جامعه‌شناختی خانواده (ازدواج، طلاق و فرزندآوری). تهران: جامعه‌شناسان و روش‌شناسان.
 ۸. حاجی اسماعیلی، سمیه (۱۳۹۳). مادری در نگاه دینی و عینیت اجتماعی. قم: مرکز تحقیقات زن و خانواده.
 ۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۷). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. تهران: مکتبه الاسلامیه.
 ۱۰. خجسته مهر، رضا، محمدی، علی، و عباس پور، ذبیح‌اله (۱۳۹۶). نظریه زمینه‌ای فرایند شکل‌گیری نگرش به ازدواج: یک مطالعه کیفی. نشریه تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۶(۳)، ۳۴۳-۳۵۴.
 ۱۱. خانی مقدم، مهیار (۱۳۹۵). بن‌مایه‌های اعتقادی نقش مادری زن در آموزه‌های وحیانی. نشریه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۴(۲۲)، ۱۲۷-۱۵۵.
 ۱۲. خجسته مهر، رضا، ممبینی، جعفر، و اصلانی، خالد (۱۳۹۲). مقایسه نگرش به ازدواج و طلاق و دلبستگی به همسالان در دانش‌آموزان پسر دبیرستانی خانواده‌های عادی و طلاق. نشریه روان‌شناسی مدرسه، ۲(۳)، ۵۷-۷۵.
 ۱۳. دهقان نژاد، رضا، و بستان (نجفی)، حسین (۱۳۹۶). حقوق و وظائف همسری و مادری زنان از دیدگاه قرآن. نشریه مطالعات قرآنی، ۸(۴)، ۲۹-۵۸.

۱۴. سالاری فر، محمدرضا (۱۳۹۷). خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی. تهران: سمت.
۱۵. سالاری فر، محمدرضا، آذربایجانی، مسعود، موسوی اصل، سیدمهدی، کاویانی، محمد، تیبک، محمدتقی، و عباسی، اکبر (۱۳۹۸). روان شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۶. سایت سازمان ثبت احوال کشور به آدرس <https://www.sabteahval.ir>
۱۷. سیاح، سرورالسادات، کوچک انتظار، رؤیا، و حسنی، فریبا (۱۳۹۶). بررسی ویژگی های روانسنجی مقیاس نگرش به ازدواج. نشریه رویش روان شناسی، ۶(۴)، ۹۳-۱۰۷.
۱۸. شریفی زاده، زینب (۱۳۹۱). بررسی رابطه سبک های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی و نگرش مذهبی با نگرش به ازدواج و ادراک آمادگی ازدواج در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه قم. پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی. دانشگاه شهید چمران اهواز.
۱۹. شعفی زاده، حانیه، پورنجاریان، سمانه، و سپهری شاملو، زهره (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش پیش از ازدواج به روش سیمبیس بر تمایز یافتگی، نگرش ها و انتظارات زناشویی در بین دختران مجرد دانشگاه هرمزگان. نشریه پژوهش های روان شناسی بالینی و مشاوره، ۹(۲)، ۱۲۰-۱۴۰.
۲۰. عباسی، قدرت اله، و حسینی، سیده سمیه (۱۳۹۷). همبستگی بین عملکرد خانواده، تمایز یافتگی خود و رضایت از زندگی با نگرش به ازدواج در فرزندان جانبازان. نشریه طب جانباز، ۱۱(۱)، ۳۵-۴۰.
۲۱. عبدالله پور، بهزاد (۱۳۹۸). بررسی نگرش دانشجویان پرستاری نسبت به ازدواج و طلاق و رابطه آن با مؤلفه های جو اجتماعی خانواده. نشریه دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۶۲(۱)، ۴۳۷-۴۴۵.
۲۲. غلامی قره شیران، زهرا، ثنایی، باقر، کیامنش، علیرضا، و زهراکار، کیانوش (۱۳۹۹). پیش بینی خوشنودی زناشویی بر پایه پختگی هیجانی و نگرش به پیوند زناشویی در زنان و مردان با همسرگیری زودهنگام و بهنجار. نشریه مشاوره و روان درمانی خانواده، ۱۰(۱)، ۱۵۱-۱۷۸.
۲۳. کریمی، یوسف (۱۳۹۶). روان شناسی اجتماعی (نظریه ها، مفاهیم و کاربردها). تهران: ارسباران.
۲۴. کلیئی، محمدین یعقوب (۱۳۶۷). اصول کافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ه.ق). بحارالانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۶. منادی، مرتضی (۱۳۸۷). درآمدی جامعه شناختی بر جامعه پذیری. تهران: جیحون.
۲۷. موسوی، اشرف سادات (۱۳۹۲). مشاوره قبل از ازدواج. تهران: مهر کاویان.
۲۸. میرخانی، عزت السادات، غروی نائینی، نهله، و همدانیان، فاطمه (۱۳۹۰). نگره مقاصد شرعی و رسالت مادری. نشریه پژوهش نامه زنان، ۱۲(۱)، ۱۴۱-۱۱۷.
۲۹. نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۸ ه.ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت: آل البيت لاحیاء التراث.
۳۰. نیازی، محسن، شاطریان، محسن، و شفائی مقدم، الهام (۱۳۹۴). بررسی نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر در نگرش منفی به ازدواج (مطالعه موردی شهروندان شهرستان کاشان). نشریه جامعه پژوهی فرهنگی، ۶(۲)، ۲۷-۵۸.
۳۱. نیک خواه، هدایت اله، فانی، مریم، و اصغریپور ماسوله، احمدرضا (۱۳۹۶). سنجش نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج و عوامل مؤثر در آن. نشریه جامعه شناسی کاربردی، ۳(۲۸)، ۹۹-۱۲۲.
۳۲. نیلفروشان، پریرسا، نویدیان، علی، و عابدی، احمد (۱۳۹۲). بررسی ویژگی های روانسنجی مقیاس نگرش به ازدواج. نشریه روان پرستاری، ۱، ۳۵-۴۷.
۳۳. هوبلی پور، سارا، شفیق آبادی، عبدالله، و سودانی، منصور (۱۳۹۱). بررسی اثربخشی آموزش پیش از ازدواج بر انتظارات و نگرش های زناشویی فرزندان دختر در آستانه ازدواج کارکنان ملی مناطق نفت خیز جنوب. نشریه یافته های نو در روان شناسی، ۳(۷)، ۸۱-۹۳.

34. Adhikari, P. (2017). Attitudes of Present Generation towards Marriage: A Survey of Marriageable College Students. *Tribhuvan University Journal*, 1- 2(31), 167-184.
35. Akbas, M., Surucu, S. G., Koroglua, C. O., & Ozturk, M. (2019). Factors affecting marriage attitudes of university students. *Cukurova Medical Journal*, 1(44), 93-100.
36. Alqashan, H., & Alkandari, H. (2010). Attitudes of Kuwaiti young adults toward marriage and divorce. *Advances in Social Work*, 1(11), 33-47.
37. Charles, N., Davies, C., & Harris, C. C. (2008). *Families in transition: social change, family formation and kin relationships*. Policy Press.
38. Cui, M., & Fincham, F. D. (2010). The differential effects of parental divorce and

- marital conflict on young adult romantic relationships. *Personal relationships*, 17(3), 331-343.
39. De Coninck, D., Van Doren, S., & Matthijs, K. (2021). Attitudes of Young Adults Toward Marriage and Divorce, 2002–2018. *Journal of Divorce & Remarriage*, 1(62), 66- 82.
 40. Hippen, K. A. (2016). *Attitudes toward marriage and long-term relationships across emerging adulthood*. Master Thesis. Georgia State University.
 41. Huang, Y. C., & Lin, S. H. (2014). Attitudes of Taiwanese college students toward marriage: A comparative study of different family types and gender. *Journal of Comparative Family Studies*, 3(45), 425 -438.
 42. Hymowitz, K., Carroll, J. S., Wilcox, W. B., & Kaye, K. (2013). *Knot yet: The benefits and costs of delayed marriage in America*. Charlottesville, VA: National Marriage Project.
 43. Kim, H. S., & Jung, Y. M. (2015). Self-differentiation, family functioning, life satisfaction and attitudes towards marriage among South Korean university students. *Indian Journal of Science and Technology*, 19(8), 1-8.
 44. Lazinski, M. J. (2016). *Young peoples' feelings about and attitudes towards marriage: the influence of attachment style and early family functioning*. Doctoral dissertation.
 45. Li, X. (2014). What influences the attitudes of people in the United States toward marriage? A critical review. *The Family Journal*, 3(22), 292- 297.
 46. Moore, A. C. (2020). *An Examination of Emerging Counselors' and Therapists' Attitudes Toward Marriage*. Doctoral dissertation. University of the Walden.
 47. Shimkowski, J. R., Punyanunt-Carter, N., Colwell, M. J., & Norman, M. S. (2018). Perceptions of divorce, closeness, marital attitudes, romantic beliefs, and religiosity among emergent adults from divorced and nondivorced families. *Journal of Divorce & Remarriage*, 3(59), 222- 236.
 48. Treas, J., Lui, J., & Gubernskaya, Z. (2014). Attitudes on marriage and new relationships: Cross-national evidence on the deinstitutionalization of marriage. *Demographic research*, 30, 1495- 1526.
 49. Willoughby, B. J., Carroll, J. S., Vitas, J. M., & Hill, L. M. (2012). "When are you getting married?" The intergenerational transmission of attitudes regarding marital timing and marital importance. *Journal of Family Issues*, 2(33), 223- 245.
 50. Willoughby, B. J., & Dworkin, J. (2009). The relationships between emerging adults' expressed desire to marry and frequency of participation in risk-taking behaviors. *Youth & Society*, 3(40), 426-450.
 51. Wolchik, S., Christopher, C., Tein, J. Y., Rhodes, C. A., & Sandler, I. N. (2019). Long-term effects of a parenting preventive intervention on young adults' attitudes toward divorce and marriage. *Journal of divorce & remarriage*, 4(60), 283-300.